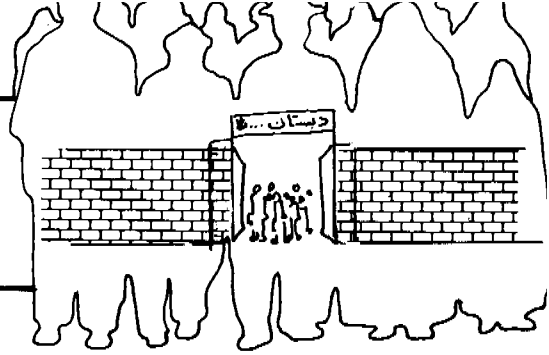


طرح مردمی کردن آموزش و پرورش



نقش دولت

نقش دولت در این نهاد اجتماعی :
ایجاد هماهنگی ، برنامه ریزی و ارائه
رهنمودها و تعیین هدف های آموزشی ،
تربیت معلم ، ایجاد تشکیلات و عوامل
اجرایی ، توزیع عادلانه امکانات آموزشی
در سطح کشور ، نظارت بر اجرای امور ،
ایجاد تسهیلات و تشویق و هدایت مردم
بسوی علم اندوزی ، تزکیه و پاکسازی محیط
تربیتی است .

دولت هرچند برگزیده مردم و برخاسته
از بطن جامعه باشد بدون مشارکت فعالانه
فرد مردم در این امر حیاتی هرگز قادر
نخواهد بود که وظائف محوله را بطور کامل
و صحیح ایفا نماید و هر فرد از افراد جامعه
باید مسئولیتی را که در قبال آموزش و
پرورش دارد خود بعهده بگیرد .

مشارکت مردم

این طرح در زمینه فراهم کردن امکانات

مقدمه :

در اسلام تعلیم و تعلم عبادت است و
تلاش در تحصیل علم و دانش و مبارزه
علیه جهل و نادانی ، نوعی جهاد در راه
خداست و طلب العلم فریضه علی کل
مسلم و مسلمه .

براساس این اصل آموزش و پرورش یک
ضرورت اجتماعی و یک امر حیاتی است و
در جامعه متحرک بسوی الله و در راه الله
بهر فرد از افراد جامعه وظیفه ای در این
بابت محول میشود که ملزم و متعهد در
اجرای آنست .

مسئولیت تعلیم و تربیت کودک بعهده
پدر و مادر است و ایندو وظیفه دارند که
شرایط و امکانات تحصیلی فرزندان خود را
متناسب با زمان و مکان فراهم سازند . هر
پدر و مادری موظف است که وقتی فرزندش
بسن فراگیری میرسد معلمی دانا و متعهد و
مسئولی را جستجو کرده فرزندش را برای
آموزش و پرورش بدو بسپارد .

مشارکت فعالانه عموم مردم در امر آموزش و پرورش و جلب همکاری و معاونت آنها در ایجاد امکانات بیشتر و رفع کمبودهای آموزشی است .

فکر اولیه و رهنمود اصلی این طرح منبعث از متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و تمام اهداف آن نیز از اصول تربیتی و اصل شوراها و شرکت مردم در کلیه فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و سرنوشت ساز استخراج شده است .

نگاهی به قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به محتوای اسلامی آن تضمین گر نفی هرگونه استبداد فکری و انحصار اجتماعی است و در خط سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان است (۱) (و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم) () : این قسمت کلاً از مقدمه و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقتباس شده است .

حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم - کیش و هم فکر است که به خود سازمان میدهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را بسوی هدف نهائی (حرکت بسوی الله) بگشاید . رسالت قانون اساسی این است که

زمینه‌های اعتقادی اسلام را عینیت بخشد و شرایطی را بوجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد .

و چون هدف از حکومت ، رشد دادن انسان در حرکت بسوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه بروز شکوفائی استعدادها بمنظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید . (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمیتواند باشد .

با توجه باین جهت قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم - گیریهای فرهنگی و سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم میسازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود .

قانون اساسی چه میگوید

اصل سوم قانون اساسی : در جمهوری اسلامی دولت موظف است همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد .

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی .

۲- بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینهها .

بقاء و ادامه حیات یک مدرسه وهمچنین کیفیت کار و ارزش و کارآئی آن بستگی به میزان فعالیت و خدمات و مشارکت عوامل اجرائی زیر دارد که هریک به نحوی با زندگی مدرسه وابسته بوده و با کار آن در ارتباط اند .

شاگردان ، معلمان و مربیان ، پدران و مادران ، وزارت آموزش و پرورش ، دیگر ارگانهای مملکتی ، مدیریت ، شورای معتمدین محل ، روحانیت ، اندیشمندان .

هریک از این عوامل نسبت به نوع بستگی و ارتباطی که با مدرسه دارند وظائفي را بعهده میگیرند که با توجه به هدفها و اصول موضوعه زیر ملزم به ایفای آنند .

اصول موضوعه :

این طرح براساس اصول زیر تدوین شده است :

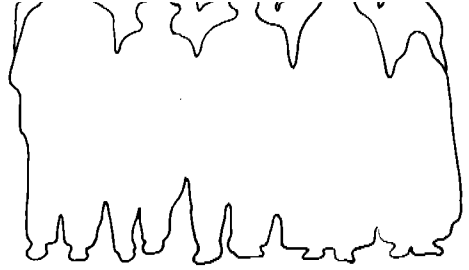
۱- هر فرد در جامعه نیاز به آموزش پرورش دارد .

۲- هر عضوی از جامعه نسبت به امر آموزش و پرورش دارای مسئولیت و تعهد است .

۳- مسئولیت تعلیم و تربیت فرزند بعهده پدر و مادر است .

۴- دولت موظف است همه امکانات لازم برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی را بطور رایگان برای همه فراهم نماید (اصل دوم قانون اساسی)

۵- دامنه علم نامحدود است و نیاز



۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه .

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینههای فنی ، فرهنگی و علمی و اسلامی .

۵- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، و فرهنگی خویش .

۶- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور .

برپایه این اصول طرح زیر ارائه میشود :

نام طرح : مردمی کردن آموزش و پرورش

مفاهیم اولیه : در این طرح مفهوم کلمات :

آموزش ، پرورش ، مدرسه ، معلم ، درس ، کتاب ، دانش ، رتبه و پایه و مدرک را دانسته فرض کرده آنها را مفاهیم اولیه تعلیم و تربیت مینامیم .

شکل طرح : این طرح به دوگونه شهری و روستائی عرضه میشود و محل اجرای آن چه در شهر و چه در روستا مدرسه نامیده میشود .

مدرسه واحد نظام آموزشی در این طرح است وکل وجزء این طرح در محدوده مدرسه قابل اجرا است .

انسان برای کسب علم و دانش بی انتها است ولی امکانات مادی و تنوع و تنوع آدمی در تحصیل آن محدود است ، هرکس آزاد است که بمیل و اختیار خود با جهد و تلاش و کدح و رنج باندازه توان خود از نعمت بی انتهای دانش بهره مند گردد و دولت موظف است تسهیلات لازم و موجبات این آزادی را برای او فراهم سازد .

۶- هیچکس حق ندارد جلوی تعلیم و تربیت افراد را بگیرد و یا مطابق نظر خود نوعی تعلیم و تربیت خاص را بجامعه القاء نماید .

۷- تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران مکتبی است و براساس فرامین قرآن و ایدئولوژی اسلامی است .

۸- اگر مشارکت فعالانه مردم در امر آموزش و پرورش نباشد ، دولت به تنهایی قادر نیست این مسئولیت عظیم را بعهده بگیرد .

هدف ها

هدف :

طرح مردمی کردن آموزش و پرورش براساس اصول فوق تدوین شده و هدفهای زیر را دنبال میکند :

۱- مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در امر آموزش و پرورش

۲- انطباق محتوی آموزشی با نیازهای جامعه برحسب زمان و مکان

۳- ایجاد بستگی و علاقه مردم نسبت به آموزش و پرورش بدان حد که مدرسه را از آن خود بدانند

۴- آشنا کردن مردم به وظیفه خود در امر تعلیم و تربیت و آگاه کردن آنها به نقش آموزش و پرورش در اعتلای جامعه

۵- برقراری ارتباط صمیمانه بین مردم و دولت به منظور جلب همکاری و معاونت در رفع مشکلات و حل مسائل آموزشی

۶- استفاده از امکانات مادی و معنوی همه مردم برای جبران کمبودها و نواقص آموزشی

۷- توزیع عادلانه آموزش در سطح کل کشور با توجه به نیازهای منطقه‌ای و گسترش امکانات آموزشی

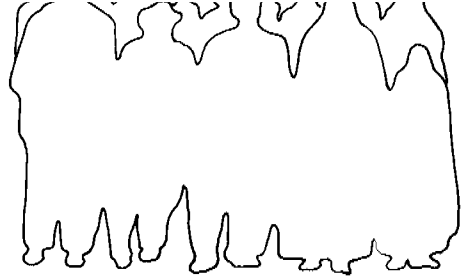
۸- افزایش کارآئی و ارتقاء کیفیت آموزشی در سطح جامعه و برخورداری از بهترین روشهای تربیتی

۹- شناخت انسانهای متعهد و مسئول و خادمین اجتماع به منظور بهره بری بیشتر از فکر و اندیشه آن در تمام واحدهای آموزشی

۱۰- طرد مقررات دست و پاگیر اداری و تسریع اجرای تعهدات آموزشی

۱۱- نظارت و پیگیری مستمر در امر آموزش و پرورش و اجرای صحیح فرامین تربیتی بوسیله مردم

۱۲- پیوند مدرسه به خانه و جامعه به منظور تحکیم روابط اجتماعی



نحوه مشارکت

هریک از عوامل وابسته به مدرسه برای تحقق هدفهای فوق میتوانند در امر مربوط به مدرسه مشارکت داشته باشند نحوه و نوع مشارکت آنها فرق دارد

شاگردان میتوانند در امور زیر با مدرسه مشارکت کنند

- ۱- مشارکت در ثبت نام و تنظیم
- ۲- مشارکت در تنظیم دفاتر و بایگانی
- ۳- تصدی تلفن و ارسال مراسلات و توزیع نامهها
- ۴- مشارکت در نظافت مدرسه همراه مدیر و معلمان با خدمتگذاران مدرسه
- ۵- حفظ انتظامات مدرسه همراه نظامت
- ۶- حفظ محیط زیست و مراقبت در بهداشت و امنیت مدرسه
- ۷- رسیدگی به تخلفات و ارائه آن به شورای تخلفات

۸- مشارکت در تنظیم برنامههای درسی و برنامه امتحانات و مراقبت در انجام صحیح آنها

۹- تشکیل انجمنهای ادبی ، سخنرانیهای علمی ، ورزشی و دینی و نمایش و سرود

- ۱۰- تشکیل جلسات سخنرانی ، بحث و مناظره و مشاعره و بحث های ایدئولوژیکی و تفسیر قرآن ، شرح احادیث و احکام دین
- ۱۱- برگزاری جشن ها و مجامع عمومی
- ۱۲- اداره کتابخانه مدرسه و حفظ و جمع - آوری کتاب ها

- ۱۳- شرکت در جلسات مشورتی و تصمیم گیری و نقد و انتقاد برنامههای درسی
- ۱۴- تنظیم گزارش نظریات کلاسها و ارائه آن به مقامات مسئول
- ۱۵- کمک به شاگردان ضعیف و تدریس در کلاسهای پائین

۱۶- مشارکت در تعمیرات ، رنگ آمیزی و نقاشی ساختمان و میز و نیمکت ، مسئولیت تدارکات و تصدی تکثیر ، انتشارات و برف رویی

این وظائف کتبا به شاگردان ابلاغ و بوسیله معلمان در کلاسهای درس تشریح و تبلیغ میشود و امکانات اجرائی آنرا مدیر مدرسه فراهم میسازد و برای جذب شاگردان به انجام این نوع فعالیت ها و ایجاد علاقه بین آنها نسبت به امور محوله لازم است تشویقات زیر صورت گیرد :

- ۱- صدور تقدیر نامه کتبی از طرف مدیر با درج در پرونده .
- ۲- معرفی و تقدیر در مقابل صف شاگردان .
- ۳- افزایش نمره انضباط .
- ۴- دادن جایزه یا لوحه افتخار .
- ۵- اخذ تقدیر یا تشویق نامه از رئیس

ناحیه یا مدیرکل یا وزیر .

۶- معرفی در جراید .

۷- گزارش توأم با تقدیر به پدر و مادر .

۸- معرفی در جلسه عمومی اولیاء .

۹- دادن مسئولیت در حد توانائی و وظائف .

۱۰- فرستادن به اردوهای ورزشی یا گردشهای علمی و مسافرتهای زیارتی و یا تفریحی .

مشارکت معلمان

معلم نقش مهمی را در مدرسه ایفا میکند و معلمی یک مقام خدائی است و بزرگترین مسئولیت ها بگردن او محول شده است ، یک معلم متعهد و مسئول است که مراقبت کند در تمام مراحل کارش از لحاظ پرورشی و آموزشی لطمه‌ای به شاگردان وارد نشود . یک معلم غیر از وظیفه آموزشی و تربیتی که بعهدده دارد میتواند در کارهای زیر نیز با مدرسه مشارکت کند .

۱- شرکت در مدیریت بعنوان مشاوره و راهنمایی .

۲- تماس مستمر با شاگردان و پاسخ دادن به سئوالات آنها و کشف مشکلات آنها و ارائه طریق و حل مسائل .

۳- بردن دانش‌آموزان به درون جامعه و آشنا کردن آنها با مسائل اجتماعی .

۴- همسفر شدن با شاگردان در مسافرتها و گردشهای علمی .

۵- راهنمایی و ارشاد شاگردان در مورد مسائل غیر درسی و مشکلات زندگی .

۶- تماس با خانواده‌ها و راهنمایی و هدایت آنها .

۷- شرکت در نظافت و امور جاری مدرسه و پاکسازی همراه دانش‌آموزان .

۸- شرکت در جلسات دانش‌آموزی و جشن‌ها و نمایشات آنها .

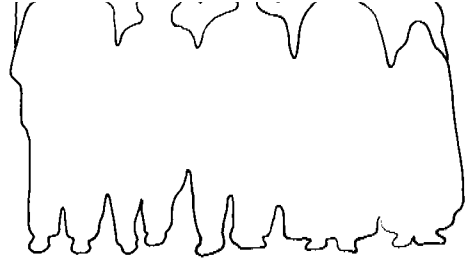
۹- تشکیل جلسات بحث و انتقاد درسی ، سیاسی ، اجتماعی ، دینی .

۱۰- بررسی متون کتابهای درسی و نقد و پیشنهاد و گزارش آن به دفتر تحقیقات و برنامه ریزی .

۱۱- تهیه طرح‌های آموزشی و پرورشی و ارائه آن به دفتر تحقیقات و برنامه ریزی این وظائف از طرف مدیر مدرسه به معلمان ابلاغ و موارد آن تشریح و باهمکاری دیگر معلمان برنامه ریزی میشود و سپس به مرحله اجرا در می‌آید .

برای تشویق و جلب معلمان به اینگونه فعالیتها مدیر مدرسه برای هر معلم کارنامه‌ای تنظیم کرده و کیفیت و کمیت این نوع فعالیتها را در آن ثبت میکند و طبق دستوری عادلانه به آنها نمره میدهد مجموع این امتیازات ملاک افزایش حقوق ، ارتقاء گروه و گرفتن پایه و ترفیع قرار میگیرد .

و برای سرعت بخشیدن به این نوع کار و افزایش کیفیت آنها به معرفی مدیر مدرسه



از طرف مقامات مسئول تقدیرنامه و سوبو-
نامه و احتمالا جوایزی در خور برای آنها
صادر خواهد شد .

مشارکت اولیاء

نقش اولیاء در بهبود کار مدرسه و خوب
شدن مدرسه بسیار حساس و با اهمیت است
پدران و مادران میتوانند :

- ۱- در ساختن و تاسیس مدرسه موثر باشند .
- ۲- در تکمیل تجهیزات و تهیه امکانات .
- ۳- در تعلیم و تربیت .
- ۴- نظارت و بازرسی مستمر .
- ۵- در تشویق و توبیخ کارکنان مدرسه .
- ۶- در اجرای برنامه‌های پرورشی .
- ۷- در ارتباط با دولت و ارگانهای مملکتی .
- ۸- در راهنمایی و ارشاد و خدمات فرهنگی .
- ۹- کمک به کودکان واجب التعلیم و محروم
و شناسائی آنها .

برای جلب همکاری و مشارکت اولیاء با
مدرسه مدیر ، روحانی محل (از پایگاه
مسجد) مسئولین دولت و راهنمایان آموزشی
(از دستگاههای ارتباط جمعی و رسانه‌های
گروهی) موثرند و مشوق پدر و مادر در ابتکار
نخست مهر و محبت آنها و علاقه شدیدی

است که به سرنوشت فرزند خود دارند و
وظیفه ایست که نسبت به تعلیم و تربیت
کودکان بعهده دارند معهذا اگر مدرسه
خوب باشد (یعنی رسالتش را بنحو
احسن نشان دهد) و نیاز تربیتی و
آموزشی کودکان را بطور کامل برآورد خود
عامل جذب همکاری و همفکری والدین
خواهد بود مدیر و معلمان مدرسه نیز در این
راه نقش موثری دارند . چه آنها میتوانند
با توجه دقیق به شاگردان و علاقه مند شدن
به سرنوشت آنها و تماس دائم با اولیاء
اهمیت و اعتبار مدرسه را بطور حقیقی در
نظر اولیاء بالا ببرند بحدی که پدران
و مادران مدرسه را از آن خود بدانند .

یکی از آرزوهای پدر و مادر اینست که
مدرسه ای خوب در مجاور خانه‌اش باشد
ط همیشه اطمینان کامل از امنیت و اطلاع
کامل از وضعیت تحصیلی فرزندش را بطور
مستمر داشته باشد .

شورا

شورای محل ، معتمدین ، روحانی محل
تعریف : محله جزئی از شهر است که
متشکل است از چند خانه ، خیابان و کوچه
بازارچه ، و حداقل دارای یک مسجد ، یک
حمام ، یک مدرسه و یک درمانگاه و یک
کلانتری (البته محله‌های کامل دارای یک
زمین ورزش ، یک پارک و یک حسینیه و
سالن اجتماعات و یک سینما هم هست) .

در روستا به جای محل لفظ ده را بکار
سیریم .

اگر این اصل را بعنوان یکی از مهمترین
اصول تربیتی بپذیریم که :

فاصله خانه و مدرسه برای یک کودک کمتر از
۱۲ سال چه پسر و چه دختر نباید بیشتر از
یک کیلومتر باشد ، ضرورت وجود یک
مدرسه در محل دقیقاً احساس میشود .

مسئولیت احداث و تاسیس آن بترتیب
اولویت با دولت ، با معتمدین محل یا
شورای محل و با اولیاء شاگردان است .

شورای محل موظف اند زمینی را در
محل متناسب برای یک مدرسه خوب تهیه
کرده در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار
دهند تا بودجه آن تامین و با نظارت
و مشارکت خود آنها تکمیل و آماده بهره -
برداری شود .

شورای محل و معتمدین میتوانند در امور
زیر در کار مدرسه مشارکت کنند :

- ۱- تاسیس مدرسه .
- ۲- شرکت در هیئات مدیره یا هیئات امناء .
- ۳- نظارت در تمام کارهای مدرسه .
- ۴- برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه .
- ۵- جلب همکاریها و کمکهای مادی و معنوی ساکنان کوجه .
- ۶- برقراری ارتباط با ارگانهای دولتی برای برآورد نیازهای مدرسه .
- ۷- نظارت در انتخاب و کار معلم .
- ۸- شناسائی معلمین خوب و افراد خیر و

نیکوکار و فرهنگ دوست و هدایت آنها و
معرفی آنها به وزارت آموزش و پرورش .

۹- رفع مشکلات آبی و ضروری و حل مسائل
مخصوص به محل و کدخدا منشی .

مدیریت

مدیریت در مدرسه نقش حساسی را
ایفا میکند و حیات مدرسه بیش از ۹ درصد
به مدیریت بستگی دارد ، مدیر مهمترین و
اصلی ترین مهره ارتباط بین مدرسه و مردم
است ، یک مدیر مدرسه اگر مسئولیت خود
را درک کرده و وظیفه اش را بنحو صحیح ایفا
نماید اکثر مشکلات آموزش و پرورش حل
میشود ، مدیر مدرسه عامل اصلی در اداره
مدرسه و حفظ قداست آن و ایجاد نظم و
امنیت و اجرای برنامه های پرورشی و آموزشی
است .

یک مدیر مدرسه میتواند فعالیتهای زیر
را علاوه بر وظائف خود بعهده بگیرد :

- ۱- شناسائی شاگردان و جمع آوری اطلاعات لازم در مورد ویژگی های خانوادگی و تربیتی شاگردان به منظور مطالعه در جهت ارشاد و راهنمایی .
- ۲- قرار دادن پدران و مادران در جریان پیشرفت تحصیلی فرزندان .
- ۳- مراقبت در امور تربیتی شاگردان اگر چنانچه نابسامانی هائی در زندگی خانوادگی آنها پدید آمده باشد .

بقیه در صفحه ۵۸



تجربه‌ها و داستانهای تربیتی



سید علی اکبر حسینی

یک باغبان خوب کسی است که نیازها و ویژگیهای گل بوته‌ها را میشناسد و با توجه بآن خصوصیات و ویژگیها میزان مناسب از آب و آفتاب را برای بوته گل انتخاب میکند و با تدبیر و لیاقت خود بوته‌ها را به گل میرساند و علاوه از هر بوته‌ای همان گلی را میخواهد که در توان و قدرت آنست .

مادران و مربیان هم باغبانان گلستان زیبای انسانیت هستند و مسئولیت شکوفا شدن شخصیت گلبوته‌های این گلستان

کودکان از روزی که بدنیا می‌آیند تا موقعی که به درجه کمال میرسند از مراحل مختلفی میگذرند و همانگونه که میزان قدرت عضلات آنان پیوسته در تکامل است و ویژگیهای روحی و روانی آنان نیز پیوسته متغیر و متکامل است اگر تدابیر و شیوه‌های تربیتی ، برطبق این ویژگیها صورت گیرد میتوانیم همه استعدادها و قوای کودک خود را شکوفا سازیم و به فعلیت درآوریم .
یک مربی مانند یک باغبان است

یعنی کودکان به آنها سپرده شده است .

مادران مریبان اولیه

مادران هستند که از کودک به قیمت جان و آسایش خود حمایت میکنند و آنان را از ضعف و ناتوانی دوران کودکی بسوی هدفهائی که سزاوار انسان است هدایت میکنند .

هدفهائی که در نهایت به حق طلبی و آزادی از ذلتها و بندگیهای بندگان میرسد و به خداجوئی و خداخواهی منتهی میشود که: وان الی ربکالمنتهی و بی جهت نیست که در روایات اسلامی مادران متقی و پاکدامن را در درجه شهیدان شمرده‌اند و اجر مجاهدان راه خدا را بآنان وعده داده‌اند .

درست هم همین است چون مادرانند که در دامان مهر و لطف و صبر و ایمن خود شهیدان را می‌پرورند .

حوانی برایمان نوشته :
ما باعمویمان در یک خانه زندگی میکردیم مایک طرف حیاط اطاق داشتیم و آنها هم طرف دیگر حیاط .

زن عمومیم وسواس شدیدی داشت و هر چیزی را چندین بار آب میکشید همیشه مراقب بود که رختهائی که با آن زحمت آب کشیده است ، نجس نشود حتی در تابستان رختها را توی زیر زمین روی چند تا بند پهن میکرد و نمیگذاشت ما از

کنار زیر زمین حتی رد شویم که مبادا رختها نجس شود یادم هست که من سه سال داشتم و از اینکه زن عمومیم مرا نجس میدانست رنج میبردم تا اینکه یکروز که به اطاق زن عمومیم به مهمانی رفتیم .

شخصیت کودک

یادتان هست درباره شخصیت کودک مخصوصا در سنین ۳ تا ۷ سال چه گفتیم ؟
حتما بیاد دارید - گفتیم که این دوره از کودکی با احساس شدید شخصیت همراه است و بهمین جهت از ایجاد خراش و ضربه باین احساس شدید باید کاملا اجتناب کرد نباید گفت بچد باین کوچکی که چیـزی نمیفهمد می بینید که کودک سه ساله هم از اینکه زن عمومیم او را نجس میدانند رنج میبرد البته این احساس شخصیت در همه مراحل زندگی با جلوه‌های گوناگون همراه انسان خواهد بود و این احساس یکی از گرمای ترین نعمتهای خداست و اگر انسان از این نعمت گرمای بی بهره بود به هر ذلت و زشتی تن میداد .

وظیفه مریبی اینست که با درایت و لیاقت خویش به حفظ و تعالی این احساس کمک کند .

در کودکان این احساس شدید شخصیت با بساطت و صداقت آمیخته است و بهمین جهت در مقابل دستورها و درخواستهای پدر و مادر انعطاف ناپذیری و ایستادگی و

این احساس شدید شخصیت را در ادامه
این گزارش ببینید :

وارد اطاق زن عمو شدیم . من سردم بود
کنار بخاری رفتم که دستهایم را گرم کنم
زن عمویم وارد اطاق شد و مرا دید پرسید :

به سیخها دست زدی ؟ گفتم : نه !
ولی باور نکرد و سیخها را که توی یک سینی
روی بخاری گذاشته بودند تا خشک شود
برداشت و رفت سرحوض و دوباره آب کشید
من خیلی ناراحت شدم . ظهر در همان
عالم بجگی میخواستم کباب نخورم ولی
خوردم .



با دآوری میکنم که کودک در سنین سه تا
هفت سالگی از بساطت و صداقت و راستی —
انگاری مخصوصی بهره مند است اغلب نه
دروغ میگوید و نه معنای دروغ را میفهمد
و اگر هم سخنی با شکل دروغ از او شنیده
شود بهتر است در اغلب اوقات آن را
خیالپردازی بنامیم نه دروغگوئی ، و این
مثل بی پایه نیست که " حرف راست را
باید از بچهها شنید "

پیامرگرمی ما میفرماید :

" کودکان با سرشت پاک و راستی و
خداپرستی دنیا میآیند و این
مربیان هستند که آنان را به نقص
انحراف میکشانند همانطور که بره ها
هیچوقت باگوش بریده متولد
نمی شوند ، مگر اینکه بعد از تولد این
شما یید که گوششان را میبرید "

سرخستی نشان میدهند .

و بعلت اثبات همین احساس عکس العملهای
بیشتر کودکان در مقابل اظهار قدرت
مخالفت و بی جهت بیشتر است و شاید برای
اساس است که برخی از روانشناسان این
دوره را دوره نافرمانی و تمرد نامیده اند .

————— کودک ، انسان کوچک —————

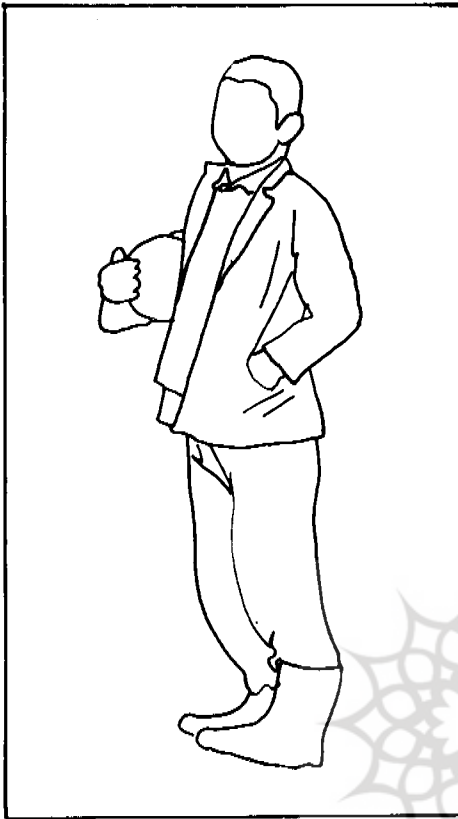
ولی در بینش تربیتی ما در صورتیکه
بازبان کودکی با او صحبت کنیم و احساس
شخصیت او را گرمی بداریم بهترین دوره
تربیت پذیری کودک همین دوره است .

یعنی به صورت یک انسان کوچک بی مقدار
به او نگاه نکنیم بلکه معتقد باشیم که
انسانی است که دوره کودکی خود را
میگذراند و لایق هرگونه احترام اطرافیان
خویش است .

کباب را خوردم وزود باطاق خودمسان
برگشتم .

چند روز بعد یک روز که زن عمو درخانه
نبود وکسی هم در حیاط نبود من و برادر
که یکسال ازمن کوچکتر بود خیلی آهسته به
زیرزمین رفتیم وبا وجودی که از تاریکی زیر
زمین میترسیدیم وبه چراغ هم دستمان -
نمیرسد که روشن کنیم . رفتیم پائین
سراغ رختهای خیس زن عمو وهمه رختها
را دستمالی کردیم وبه همه رختها هم آب
دهان انداختیم وزود آمدیم بالا ومنتظر
شدیم که زن عمو بیاید بینیم چکار میکند
همانطورکه ملاحظه میفرمائید : اگر
شخصیت کودکان را نادیده بگیریم در بیشتر
موارد با یک چنین رفتار معکوسی روبرو
خواهیم شد .

در اینجا ممکنست برای برخی از
خوانندگان این سؤال واشکال مطرح شود
که : پس برای حفظ این احساس شخصیت
آیا باید کودکان را کاملا آزاد گذاشت و
هیچکاری بکارشان نداشت ؟ و در این
صورت تربیت چه مفهومی خواهد داشت ؟
در پاسخ میگوئیم : دشواری همینجاست
اینکه گفتیم : در سنین سه تا هفت سالگی
نیاید کاری بر کودک تحمیل کرد معنایش
این نیست که باید او را کاملا آزاد گذارد و
کار بکارش نداشت و او را بدست خواستها و
هوسهای نا سنجیده اش سپرد وهر خطا و
خلافی کرد ندید وهر چیزی که خواست فوراً



برای او خرید .

افراط در آزادی دادن بکودک مخصوصا
در این سنین موجب سرکشی و طغیان
خواستها وهوسهای او میگردد .

بلکه منظور ما اینست در روبروئی با
کودک باید شخصیت و عزت کودک را کاملا
مراعات کرد و در برخورد با او از درشتی و
خسونت و فریاد و توهین جدا اجتناب
نمود . واینکار مستلزم صبر بسیار مادر
وخلق و خوی پابدار او و زرنگی وزیرکی
کافی اوست .

چند نظریه در مورد یادگیری کودکان

دکتر محمد علی فرجاد

نظریه ژان ژاک روسو

آنچه همواره باید در نظر داشت این نکته است که کودک در کانون خانواده که اولین و بهترین محیط طبیعی آماده برای آموزندگی است از همه افراد خانواده یاد میگیرد ، در سالهای نخستین بدون اینکه کسی مستقیماً چیزی به او بیاموزد بر اثر واکنشها و هیجاناتی که در برخورد با مسائل از خود نشان میدهند بتدریج با محیط زندگی خود آشنا میشود و از آن چیزهای تازه فرا میگیرد باین جهت محیط مساعد در پرورش کودک و شخصیت او اثری انکارناپذیر دارد . کودکانی که در محیطهای نا مساعد پرورش مییابند و بعنوان مثال پیوسته شاهد اختلافات پدر و مادر میباشند در شخصیت آنها از نظر شکلگیری عواطف و رفتارهای غیر مطلوب نشانههای بارز دیده میشود .
درباره یادگیری در کودکان از زمانهای پیش نظریات مختلف ابراز شده است و

مسئله یادگیری در زندگی انسان نقش بسیار مهمی دارد و در طی سالهای زندگی بصورتیهای مختلف جلوه میکند . برای کودک یادگیری از خانه و خانواده آغاز میشود ، الگوی او در سالهای اولیه زندگی پدر ، مادر ، برادر ، خواهر و دیگر نزدیکان و افراد خانواده هستند زیرا رفتار آنها در شرایط و مقتضیات خانواده در لوح ضمیر او نقش می بندد و شخصیت او را میسازد و در این میان نقش مادر از همه مهمتر و موثرتر است زیرا پیوستگی عاطفی کودک به مادر در واقع دنباله پیوستگسی دوران زندگی جنینی او میباشد که تا مدتها ادامه پیدا میکند . روانشناسان بخصوص در سالهای اخیر متوجه شده اند که جدائی کودک از مادر (بر اثر طلاق) یا هر عامل دیگر بخصوص در سه چهار سال اول زندگی جریان رشد طبیعی کودک را تحت تاثیر خود قرارداده دچار اختلال میکند .

اینک بطور مختصر به مهمترین آنها اشاره
میشود :

امیل

۱- نظریه ژان ژاک روسو : روسو در کتاب مشهور خود بنام " امیل " یک کودک خیالی را از زمان تولد تا هنگام بزرگسالی توصیف میکند ، برطبق نظریه روسو کودک برپایه توانائیهای طبیعی و ذاتی خود پرورش مییابد . باید محیطی فراهم کنیم که در آن محیط شرایط لازم برای —روز استعدادهای نهفته او وجود داشته باشد دراین صورت پرورش او بصورت طبیعی انجام خواهد شد . در هر حال آموزش کودک بصورت امری تحمیلی بهیچوجه قابل توجیه نیست . پرورش کودک سه جنبه مشخص ومجزا از یکدیگر را در برمیگیرد :

۱- طبیعت

۲- انسان (از نظر رفتاری)

۳- ابزار و وسائل

رشد نیروهای بدنی کودک زائیده
نهادهای طبیعی است که بالقوه در او وجود دارد و برحسب قوانین طبیعی بمسیر خود هدایت میشود . قوای ذهنی او برپایه مشاهده وتجربه و برخورد با دیگران و در نتیجه فراگیری از آنها بسیر تکاملی خود میافتد و دست انسان بکمک وسائل و ابزار آموزش در جهت دادن به یافتههای کودک

نقش تعیین کننده دارد . روسو در مورد
آمادگی کودک برای یادگیری میگوید :

" باید کودک را عادت دهید که به
فایده آنچه یاد میگیرد پی ببرد ، بدین
طریق او را معتاد خواهید کرد که اختیار
خود را کورکورانه بدست دیگران ندهد و بر
قدرت ابتکار خود بیفزاید "

روسو اولین کسی است که توجه مربیان را
به تفاوتهای فردی جلب کرده و لزوم
رعایت آنها را در آموزش و پرورش گوشزد
کرده است . او درباره راهنمایی میگوید :

" لازم است که مربی در تمام فعالیت—
هائسی که برای شاگردان خود بکار می بندد
با او شریک باشد وقار خود را بهانه نکنید
و خود را فیلسوف شمارید . در خطبهای
امیل شرکت کنید تا بتوانید خطاهای او را
اصلاح کنید . " (۱)

۱- کتاب امیل صفحه ۲۳

امروز نظریه دانشمندان جدید تعلیم و
تربیت براساس روشهای تازه آموزشی چون
سیستم باز بر درستی نظریات روسو صحه
گذاشته است . ایجاد محیطهای مناسب
تربیتی برای کودک و تمامی توجه بخود
کودک بجای تکیه کردن بر برنامه وآموزش
در حقیقت گامهایی است که بدنباله افکار و
اندیشه های روسو برداشته شده است .

نظریه پستانلزی

طبیعت کودک : پستانلزی نظیر روسو

معتقد است که آموزش باید از طبیعت کودک پیروی کند . او درباره تربیت فرزندش از روش روسو یعنی دستورهایی که در کتاب امیل آنها را توصیه کرده بود استفاده کرده و نتایج مطلوب بدست آورده است و نظریات خود را به تفصیل در کتاب مشهورش (برای مادر زن) شرح میدهد .

نظریات پستالزی : براساس تفاوتهای فردی مبتنی است او کوشش میکند که در تربیت کودک توجه مریبان را به تفاوتهای فردی جلب کند و لزوم رعایت آنها را در تعلیم و تربیت گوشزد نماید . در اینجا عبارتی چند از خطابه‌ای که پستالزی در روز اول سال ۱۸۰۹ در مجمعی علمی بیان کرده بود نقل میشود : " ما هیچگونه کینه‌ای نسبت به کششهای درونی و استعدادهای ذاتی کودکان نداریم . فکر اینکه از آنها مردانی نظیر خودمان یا مثل معاصرانمان بسازیم از ما دور باد . آنها باید تحت مراقبت ما بصورت مردانی چنانکه طبیعت اقتضا میکند درآیند ."

نظریه فروبل

شناسائی کودک : فروبل در تعلیم و تربیت اصل را بر شناسائی کودک میگذارد و تمام کوشش خود را در این راه بکار میبرد . در اداره کودکستانها معتقد به برنامه ریزی دقیق علمی است که براساس آن فعالیتهای کودکان کاملا سنجیده و حساب شده اجرا

گردد . اصل تفاوتهای فردی و پی بردن بآنها از راه مشاهده رفتاری کودک مطلبی است که فروبل برآن صحنه گذاشته است . خلاصه نظریات فروبل را میتوان باین صورت بیان کرد :

۱- بازیها مهمترین و اصلی ترین فعالیتهای دوران کودکی است که از طبیعت کودک سرچشمه میگیرد و باید همیشه مورد توجه مربی قرارگیرد .

۲- کودک خویشتن خویش یعنی استقلال وجودی خود را در طی بازی از راه نقشی که در آن دارد درک میکند .

۳- کودک از راه تماس با دیگران و شناسائی آنها و تجربه و آزمایش محیط طبیعی و اجتماعی خود را تشخیص میدهد .

۴- در پرورش کودک همواره باید از روشهای محدود کننده که اختیارات را از کودک سلب میکند جدا احتراز شود .

از دیدگاه فروبل بازی در زندگی کودک نقش مهمی دارد . بعقیده او بازی عین زندگی است . بازی موجب بروز استعداد های کودک و نشاط و سلامت او میشود و به او انرژی و میل بهمکاری با دیگران و کوشش و استقلال فکری میبخشد . با کمی مطالعه درباره نوع بازیهایی که کودک دوست دارد میتوان بروحیات او ، پرخاشگری ، کسم - حوصلگی ، صبر و شکیبائی و دیگر نهادهای ذاتی او پی برد . مربی از مشاهدات رفتاری کودک و تشخیص استعدادهای نهفته ذاتی

او میتواند در راهنمایی و جهت دادن فعالیت‌های او نقشی سازنده داشته باشد و با تنظیم برنامه ای حساب شده و طرح‌ریزی شده به بروز استعداد های ذاتی او کمک کند .

نظریه جان دیویی

خود محوری : جان دیویی فلسفه تعلیم و تربیت را بر پایه " خودمحوری " کودک صحیح میداند . عبارت دیگر تاکید وی بر روی خود کودک و علائقش استوار میباشد . بعقیده او کودک بایستی خود تجربه کند و از طریق مشاهده و تجربه با حقایق امور آشنا شود . در نزد دیویی حرکات بدنی و بازی دورکن اساسی برای تکامل او محسوب میشوند .

یادگیری بروش کلاسیک در نزد دیویی مردود شمرده میشود ، زیرا او معتقد است که این نحو آموزش جز تحمیل مطالب بر ذهن کودک مفهوم دیگری ندارد . آموزش صحیح آن است که در آن علائق و تمایلات کودک بعنوان زمینه‌های مساعد و مطلوب بکار گرفته شود .

نظریه منتسوری

رشد بیشتر : هدف یادگیری برای منتسوری مانند جان دیویی " رشد بیشتر " کودک است او در جایی میگوید " . . . ما باید بدانیم که کودک دارای شخصیتی است

که همواره در پی رشد و گسترش است او از ابتکار برخوردار است و خود به تنهایی کارش را انتخاب میکند و برای بسامان رسانیدن آن اصرار می‌ورزد و مطابق نیازمندیهای درونی خود آنرا تغییر میدهد و هنگامی که خود بر مشکلات فائق می‌آید قلبش از شادی لبریز میشود " .

شعار منتسوری در آموزش این است " مشاهده کن و در عین حال همه چیز را به دقت زیر نظر داشته باش " منتسوری در حقیقت مکتب آموزشی جدیدی را پیشنهاد میکند که بکلی با مکتب دیگران متفاوت است به عقیده او احترام گذاشتن به کودک یعنی احترام گذاشتن بزندگی خصوصی و تلاش او در راه حصول آزادی او عقیده دارد که در گذشته آموزگاران خصوصیات عاطفی خود را با مشخصات عاطفی کودک اشتباه میکردند منتسوری با نقش مادری مریبان مخالف نیست ولی عقیده دارد که افراد در این نقش فعالیت تولیدی کودک را برای رشد و پرورش محدود میسازد .

نتیجه‌ای که منتسوری از آموزش هزارها دانش‌آموز در کودکانهای رم گرفته بود در این جمله خلاصه میشد " بگذار خودم یاد بگیرم تو فقط راهنمائی کن " .



بقیه این بحث در شماره آینده چاپ میشود



دکتر سیمین حکمت

بهداشت و نگهداری کودک

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

امر بهداشت و نگهداری کودک از وظائف اولیه خانواده ها بویژه مادران است . هستند مادران جوانی که با دنیائی از سئوالات نگهداری و رعایت بهداشت کودکان روبرو میشوند و از این و آن به سؤال میپردازند و هرکس نیز بغرأخور معلومات و تجربیات مکتسبه باظهار نظر میپردازد و گاهی نیز خدای ناکرده مرتکب اشتباهات زیادی میشوند . پیوند کودک را از نظر بهداشت و تغذیه از بدو تولد مورد توجه قرار داده و با کمک مقالات خانم دکتر سیمین حکمت یک سری مقالات درج میکند که امید است مورد توجه قرارگیرد در مقاله قبل تغذیه کودک از بدو تولد تا شش ماهگی مورد بحث بود و اینک از شش ماهگی به بعد

تغذیه کودک از شش ماهگی به بعد

کودک شش ماهه باید غذاهائی که بزرگسالان خانواده میخورند بخورد ولی باید غذاها کوبیده و نرم شوند .

غذای کودک شش ماهه باید کاملاً نرم باشد .
یک کودک ۶ ماهه باید سه بار در روز از غذای مخصوص خود مثل آرد گندم ، برنج و ذرت بخورد .
دو قاشق غذاخوری بزرگ از مواد غذائی پروتئینی نرم شده باید به هر بار غذای او اضافه شود .
حداقل یکبار در روز او باید غذاهای نگهدارنده مثل سبزیجات سبز و یا میوه بخورد .

از یکسالگی میتواند بعضی از غذاهای خانواده مثل سوپ ، گوشت ، تخم مرغ و ماهی را شروع کنید در مورد تغذیه کودک یکساله بنکات زیر توجه کنید :
۱- یک کودک یکساله حداقل سه بار تغذیه با مواد پروتئینی در روز

دارد .

۲- بشقاب مخصوص برای غذا خوردن به طفل بدهید .

۳- غذای یک کودک یکساله باید خوب مخلوط و نرم باشد .

۴- یک کودک یکساله باید با قاشق تغذیه شود .

۵- یک کودک یکساله باید نسبت به وزن و سنش سهم بیشتری از غذای خانواده مصرف کند .

کمک کنید تا کودک شما خودش غذا خوردن با قاشق را یاد بگیرد .

اغلب عادات غذائی خانواده در این سن سوء تغذیه طفل میشود .
ندادن مواد مغذی مثل تخم مرغ و گوشت
عادات غلط غذائی مثل سنگین
ن آن برای طفل باعث سوء -



از آنجائیکه شیر مادر یک منبع خوب پروتئینی برای طفل است باید شیر مادر تا ۱۸ ماهگی یا دوسالگی ادامه پیدا کند . اگر مادری خواست بیشتر شیر بدهد اشکالی ندارد ادامه دهد . قطع شیر مادر باید بدو دلیل بتدریج صورت گیرد .

تغذیه با شیرمادر باید تا ۱۸ یا ۲۴ ماهگی ادامه یابد :

۱- اگر مادر یک طفل نوزاد تغذیه با شیر مادر را ناگهانی قطع کند پستانهایش پراز شیر میماند و ممکن است به آبه پستان که دردناک است مبتلا شود .

۲- تغذیه با شیر مادر کودک را خوشحال میکند . اگر ناگهانی قطع شود ممکن است طفل غمگین و افسرده شود و غذای دیگری نخورد .

قطع شیر مادر باید بتدریج صورت گیرد . برای از شیر گرفتن طفل هرگز به راههای نامعقول متوسل نشوید گاهی مادران با مالیدن فلفل ویا تلخ کردن نوک پستان طفل را از شیر میگیرند . این راهها غلط و طفل را دچار سوء تغذیه میکند . یک طفل در ۱۸ ماهگی میبایستی انواع غذاها را بخورد .

یک کودک باید قبل از شیرگرفتن بخوبی انواع غذاها را بخورد .

شیردهی در هنگام حاملگی :

اغلب مادران بمحض اینکه حامله میشوند طفل خود را از شیر میگیرند . این مادران فکر میکنند که شیر زن حامله ترش است و برای طفل خوب نیست . باید گفت که شیر زن حامله اشکالی برای طفل نداشته فقط مادر حامله شیر کمتری دارد . مادر حامله میتواند طفل خود را شیر بدهد و شیر او بد نیست .

باوجودیکه مادر میتواند به شیر دادن طفل خود ادامه دهد ولی باید توجه داشته باشد که او حالا باید سه نفر را تغذیه کند . خودش ، طفلش و کودکی که در شکم دارد . بنابراین مادر به مقدار زیادی غذاهای پروتئینی اضافی احتیاج دارد .

کودکان چند بار در روز باید تغذیه شوند ؟ یک فرد بالغ حتی با یک بار تغذیه در شبانه روز میتواند احتیاجات غذایی خود را رفع نماید ولی معده یک طفل شیرخوار خیلی کوچک است و باید مرتب تغذیه شود . مادر شیرده باید مرتباً هر بار که طفل گریه کند و یا نکند باو شیر بدهد . کودکان بزرگتر باید حداقل سه تا چهار بار در روز غذا بخورند . غذاها باید مثل حلیم نرم و دارای پروتئین باشد .

چه موقع طفل باید غذا بخورد ؟ موقع غذا خوردن کودکان در صورتیکه غذای آنها شامل مواد لازم باشد و مرتب هم بخورند اهمیتی ندارد .

از : انتشارات آموزش بهداشت

مقدمه ای بر حسن تصادف

نامه‌ها - مشاوره



از یک تربیت صحیح و مکتبی مستقل تغذیه شود ، در غیر اینصورت جامعه‌ای بوجود می‌آید که هر روز سریعتر از روز پیش بسوی نابودی و سقوط حرکت میکند .
جای تاسف است کشور ما که یک کشور اسلامی و دارای معتقدات قرآنی است کمتر

بنام خدا

مسئله تربیت

تعلیم و تربیت یک امر مهم و اساسی است که روی آن تاکید فراوان نموده‌اند و یک جامعه در صورتی جامعه‌ای ایده آل و توحیدی میشود که مبنای اصولی تربیتش

و شاید اصلاً مبحث تربیت توجه نکرده و نمیکند و شاید اخیراً نیز موسسه‌ای با نامهای تعلیم و تربیت اولیاء و مربیان و یسا کودکان و غیره تشکیل شده لیکن اینها بحال کشور ما که زیر بنای عقیدتی اش سست و در یک حالت دوگانگی بسر میرود چه سودی دارد دوگانگی که یک قسمتش را بالای شهر و قسمت دیگرش را پائین شهر بوجود آورده است ، راستی اگر واقع بینانه بنگری مشاهده خواهی کرد که اصول تربیتی هر دو به چه نحوی اداره میگردد و چگونه اصل انسانیت و چگونه شدن را گم کرده‌ایم و در لجزاز زندگی غوطه میخوریم ، شمال شهر که از همه نوع امکانات مادی برخوردار و بقول معروف پولهایشان از پارو بالا رفته و بچه‌هایشان را در ناز و نعمت و رفاه با امکانات مادی بزرگ میکنند و آن ثروتهائی را که از کارکردن و جون کردن طبقه محروم پائین بدست آورده‌اند در بست در اختیار رفاه خود و بچه‌هایشان قرار میدهند و آخرهم پائینی‌ها را تحقیز میکنند و مسئله تبعیض بوجود می‌آید و چون فکر میکنند که پول میتواند پاسخگوی مشکلات زندگی‌شان نیز باشد با کوچکترین مشکل به بن بست رسیده و برای فرار از این مشکلات بانحرف روی می‌آورند آیا این بچه‌ها که در رفاه بزرگ شده‌اند درد جامعه را حس خواهند کرد آیا اینها که با بزرگ شدن بدون درد سر پستهای دولتی را اشغال میکنند

میتوانند جوابگوی دردها باشند بدون شک نه ، و بخاطر همین مسئله‌هاست که برای جامعه هنوز درد و مشکل بقوت و حال خود باقی است و اما در پائین شهر و روستا بدبخت مردمی که برای لقمه‌ای نان جان میکنند و تمام انرژی انسانی‌شان را در این راه صرف میکنند بدون اینکه اینها هم روزی بنوائی برسند از اول زندگی شاهد فقر و بدبختی بوده اند و بجای اینکه از کودکتان سودی برده باشند بایستی کار کنند و حال نیز که بزرگ شده‌اند کار، کار در کارخانجات و کوره‌ها و دشته‌ها و بیابانها و برای چه برای اینکه شکم خود و بچه‌هایشان را برای کارهای بعدی آماده کنند اگر روزی در زیر شلاق این زندگی جان باختن ، چه کسی جوابگوی فرزندان اینهاست چه کسی نان خواهد آورد هیچکس ، پدر صبح زود هنوز که بچه‌ها خواب هستند از خانه خارج میشود و مادر نیز از صبح تا شام با انواع و اقسام کارهای خانه و کلنجار رفتن با بچه‌ها انتظار دارد وقتی شوهرش بخانه آمد بوی محبت کند و پدر نیز همینطور چون هر دو اعصابشان خرد و خسته است درگیری بینشان ایجاد میشود و باز طفلان معصوم و بیگناه باید در گوشه‌ای کز کرده و ساکت با غمهایشان شاهد این دو قربانی فقر باشند .

صبح تا شب زندگی همین طور ادامه پیدا میکند راستی پس مسئله تربیت چه شده

بچه باید از توی کوچه های خاکی از توی جویهای کثیف و از بچه های هرزه تربیت ببیند ، و شما ای مسئولان نمیدانم آیا بچه جنوب هستید یا شمال ، اگر جنوبی هستید میتوانید دردم را حس کنید راستی این همه مصیبت نیست شاید من نتوانستم نمایانگر واقعی درد باشم و آنطوریکه باید و شاید احساسم را روی کاغذ بیاورم ولی اگر شما با درد آشنا باشید خودتان میفهمید .

بچه های اشراف از زیاده روی در پول و بچه های فقرا از زیاده روی در فقر هر دو بانحراف کشیده میشوند و همه این سؤال را از خود میکنند ، راستی معنی زندگی یعنی چه ، ماکه در سراسر دنیا چه در آسیا و اروپا و غیره این همه مخترع و مکتشف و فیلسوف و دانشمند و غیره داریم و آنان که سالهای متمادی عمرشان را در اطاقهای در بسته و آزمایشگاهها ب فکر ساختن موشکها و انواع اختراعات جدید و پیچیده بسر میرند آنان که سالهای زیادی مطالعه کرده و دل فضا را میشکافند و کره ماه را تسخیر میکنند و ... چرا یک فکری بحال جامعه خود که در حال سقوط است نمیکند چرا این آتش را که پیکر جامعه را در برگرفته و همه ما در آن آتش معلقیم و میسوزیم و از درون خالی میشویم راه حلی برای مهار کردن آتش نمی یابند ، چرا مغزهای متفکر-شان را در راههای بیهوده ای صرف کنند .

حال بفرض اینکه بکره ماه رفتند چه

کردند ؟ دست آخر مجنونتر از همسه بازگشتند ، آخر یکی نیست باینها بگویند که روی این کره زمین باین بزرگی وقتی ما نمیتوانیم مشکلات خودمان را حل کنیم ماه را میخواهیم چکار ؟

من از تمام دانشمندان و غیره شکایت دارم که چرا عملشان را بازبانهای خیلی ساده در مغزهای منجمد پدران و ماداران فسرو نمیکند ؟ چرا بآنها نمی فهمانند زندگی پول نیست ، زندگی بدون هدف نیست . چرا راه حلی برای جامعه بوجود نمیآورند راستی چه کسی میتواند پاسخگوی مشکلات باشد .

(سمیه عسگری ۱۵ ساله تهران جنوب شهر)
(تحصیلات سال پنجم ابتدائی)

بنام خدا

خواست خدا بود که دو اتفاق همزمان در هیئت تحریریه مجله مطرح شود . اول نامه سمیه رسیده بود آنرا خوانده بودیم و به استعدادش تحسین فرستادیم و بیش و زرف گرائی یک کوچلوی جنوب شهری برایمان بهت آور بود ، سمیه از تضاد طبقاتی که ریشه های اصلی نظام آموزش و پرورش طبقاتی بود سخت انتقاد داشت و شمال شهر و جنوب آنرا باهم مقایسه کرده که ظریفی پس از خواندن نامه سمیه این شعر را برایمان خواند :

منعم برای هضم غذا راه می‌رود

من راه می‌روم که بدست آورم غذا
اما مطلب دوم ولی همزمان روانکاو انجمن
وارد شد و در حالیکه می‌خندید گزارش
کارش را برای چاپ در مجله بما داد و گفت
دانش‌آموزی همراه مادر و خواهرش و بدون
شک راننده شان (چون حضور نداشت)
آمده اند و گله دارند که چرا بچه‌ام
تجدیدی آورده در حالیکه دانش‌آموز سالم
و مملو از شادی ، نشاط و پراز انرژی دائم
و وقتش را صرف شنا ، بسکت ، پاتیناژ ،
دیدن ویدئو و فیلم در سالن سینمای
اختصاصی منزل می‌گذراند . شما فکر می‌کنید
چرا تجدیدی آورده ؟ ماهم هر دو مطلب
را باهم و پشت سرهم بچاپ می‌رسانیم
شاید لحظه‌ای خوانندگان و مسئولان را
بفکر واداریم :

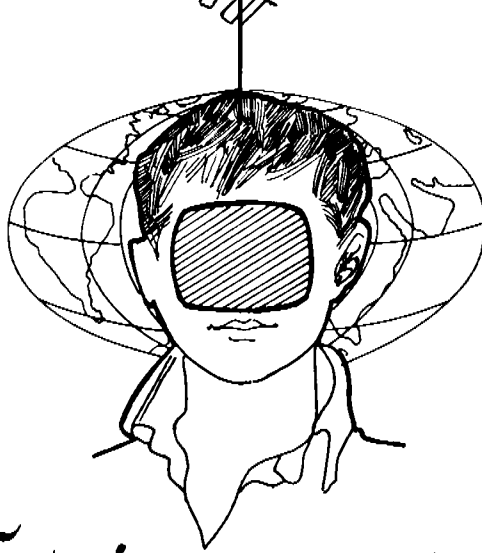
معلوم شد افشین چرا چهار تجدیدی آورده
افشین ۱۲ ساله دانش‌آموز اول راهنمایی
باتفاق مادرش بعلت تجدیدی شدن و
احتمال رفوزگی بانجمن اولیاء و مربییان
(سرویس مشاوره و راهنمایی) مراجعه
نمودند مادر عقیده داشت افشین خنگ
و تنبل و نفهم است و قادر نیست دانش‌آموز
ساعی ممتاز و جدی باشد .

هوش و حافظه او را با هوش‌آزمای " وکسلر"
مورد بررسی قرار دادیم در سطح متوسط و
بهتر قرار داشت و از لحاظ رفتار نیز کاملاً
متعادل و طبیعی بود . ضمن مصاحبه

سؤال شد بچه ورزشهایی علاقمند است و
اوقات بیکاری را چگونه می‌گذراند و سرگرمی-
های مورد علاقه او چیست خودش و مادرش
اینطور پاسخ دادند :

۱- فوتبال ۲- دوچرخه سواری ۳- کاراته
۴- شنا و کوهنوردی ۵- اسکی روی برف ۶-
پاتیناژ (بازی روی یخ) ۷- بدمینگتن
(بازی باتوپ پرواز) ۸- سرگرمی با
وسایل الکترونی

راهنمایی : یکی از علل عمده عدم موفقیت
در تحصیل (آموزش و یادگیری کلاسیک)
توزیع غلط و افراطی وسایل و امکانات است
مثلاً کودکی که جای بازی ندارد و وسیله و
اسباب بازی در اختیار او نیست مسلماً
بمرحله شکوفائی و بروز استعدادهای نهفته
خوبش نخواهد رسید حتی برخی از
مولفین بموضوع حرکت و فعالیت بصورت
ورزش و بازی بیش از نشستن در سرکلاس و
مطالعه نظری اهمیت داده اند . از طرفی
کودک و نوجوان به اصل " لذت جوئی "
تمایل بیشتری دارد تا هموار کردن رنج
تحصیل علم و دانش برای خود . اینکه شما
بعنوان ورزش و سرگرمی انواع و اقسام و به
عبارت دیگر تمام آنها را برای افشین مهیا
کرده‌اید این یک کارزائد و خطرناکی است و
موجب خواهد شد که بدنبال " لذت "
حاصل از این بازیها آینده خود را تباہ
نماید . بنا براین خدمتی که شما می‌توانید
بقیه در صفحه ۵۹



تلویزیون در ارتباط با اولیاء و برنامه‌های آموزشی

تلویزیون از دیدگاه ما و دنیا

نشریه فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء مجله‌ای است که در تمام دنیا منتشر میشود ولی مثل بسیاری از نشریات بین‌المللی بیشتر روی مسائل تمدن غرب و جامعه غربی بررسی و تحلیل و نتیجه‌گیری دارد. این نشریات هیچگاه از راه قبلی خود عدول نمی‌نمایند و اگر گاهی اوقات به مطلبی راجع به جهان سوم می‌پردازند خالی از تحقیقات کامل و بیشتر روش دهنده است تا گیرنده روش تلویزیون در مملکت ما قبل از انقلاب با برنامه‌هایی پر از تبلیغات غرب و اوج غرب زدگی در خدمت استعمار و استثمار بود. اینک چطور؟ آیا میتواند جاوگویی مردم مسلمان مملکت ما باشد؟ آیا اکثریت سلیقه‌ها را ارضاء میکند؟ آیا آموزش لازم را میدهد؟ و آیا تلویزیون کشش لازم را برای برنامه‌های خود بوجود می‌آورد؟!

مقاله زیر انگیزه‌ایست که شما قلم را بردارید و برای ما از برنامه‌های تلویزیون کشورمان بنویسید و رهنمودهای خود را ارائه فرمائید.

یکی از جنبه‌های مثبت تلویزیون اینست که میتواند بصورت وسیله مناسبی اولیاء را در محدوده درک زبان و دنیای کودکان وارد سازد . از طرف دیگر با ملاحظه اینکه : کودک چگونه تلویزیون را تماشا میکند ؟ چگونه میخندد ؟ چگونه احساس و هیجان خود را نشان میدهد ؟ چه عکس‌العملهایی از خود ظاهر میسازد ؟ و نظایر آن میتوان جنبه‌ها و جهات ناشناخته یا کمتر شناخته شده شخصیت کودک را ملاحظه نمود .

— از مسائل مهم در مورد تلویزیون رفتار اولیاء در مورد چگونگی و میزان استفاده از آنست . طبیعا باید ساعات استفاده از تلویزیون — انتخاب برنامه‌ها — اولویت کار درسی و مدرسه و غیره در مد نظر گرفته شود و در این زمینه اولیاء باید از کناره‌گیری مطلق از یک طرف و سختگیری و اعمال قدرت بیش از حد از سوی دیگر اجراز نمایند و نوعی " محیط زیست خانوادگی " ایجاد نمایند که حفظ اصلی و اساس آن عبارتست از : محدود کردن از نظر زمان — انتخاب برنامه‌های مناسب — ارزشیابی و قضاوت — گفت و شنود در خانواده درباره مضمون برنامه‌ها .

بعبارت دیگر تلویزیون باید تنها جای متناسب و مطلوب خود را اشغال و بآن اکتفا کند نه اینکه جای همه چیز را بگیرد . اولیاء باید مراقبت نمایند که تلویزیون برنامه‌های اوقات فراغت فعال و همچنین

تماس با سایر کودکان را از میان نبرد و محدود نسازد و بدین ترتیب از این وسیله جدید بیان و ارتباط یعنی تصویر و صدا بنحو مطلوب استفاده شود .

— هماهنگی بین برنامه‌های مدرسه و تلویزیون مسئله مهمی است و این دو برنامه باید در یک جهت بوده و مکمل یکدیگر باشند .

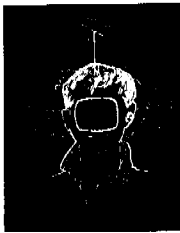
— از آنجا که امکان دارد نیازها و شرایط و احوال جوامع مختلف متفاوت باشد لذا در صورت اقتضاء و لزوم تلویزیون مدار بسته و یا تلویزیونهای محلی و منطقه‌ای میتواند سودمند باشد .

بدین ترتیب کودک یا هر بیننده دیگری بعنوان تماشاچی مجبور نیست هرچه را که در یک سطح کلی و عمومی نشان داده میشود به بیند بلکه تا حدودی مطالب و برنامه‌های مورد علاقه و نیاز خود را ببیند.

عوارض تماشای تلویزیون

— از عوارض مشاهده و تماشای تلویزیون اینست که کودک در ارتباط با واقعیات و افراد بیشتر به تماس از راه دید اهمیت میدهد و در پاره‌ای موارد ذوق و علاقه بحرکت کردن و خواندن را از دست میدهد و بدین ترتیب این صدای درونی تخیل خاموش میگردد و عده‌ای " قهرمان " الگوی همانند سازی او قرار میگیرند و برنامه‌ها و مطالبی که مشاهده کرده است زمینه تفکر و

تصور او واقع میشوند .



— تماس کودک با تلویزیون و بویژه آگهی—
های تبلیغاتی آن و ارتباط آن با افزایش
مصرف نیز مسئله شایان توجهی است و در
جوامع مصرف از این وسیله در جهت بالا
بردن مصرف سوء استفاده فراوان میشود و
لزوم مصرف وهوس و علاقه خارج از حد
نسبت بآن بکودکان تلقین میگردد و
نیازهای غیر عینی مطرح شده و بمرور زمان
نوعی بردگی (آنهم از بدترین انواع آن)
بوجود میآورد .

— از عوارض منفی دیگر تلویزیون اینست که
کودک منتظر میماند تا یک برنامه تلویزیونی
او را سرگرم کند یا اطلاعاتی در اختیار او
قرار دهد و او را بنفکر وادار سازد ، تنها
کاری که کودک انجام میدهد انتخاب برنامه
است . اما اگر تلویزیون و آگهیها او را
باین صورت درآوردهاند تا اندازههای تقصیر
خانواده است که نتوانسته است از بچه در
برابر این عوامل دفاع کند ، البته تقصیر
خانواده این نیست که چرا تلویزیون خریده
و یا به هوش کودک گردن نهاده است
بلکه گناه خانواده از این بابت است که
سرگرمیها و چیزهای دیگری (نظیر کتاب
خواندن — ورزش — بازی) با و ارائه نکرده
و آموزش لازم را از لحاظ استفاده از
تلویزیون و چگونگی و میزان مصرف نداده
است .

— هم اکنون در جوامع عربی این سئوالات
مطرح است : در دهه ۹۰-۱۹۸۰ میلادی
نسل جوان چه وضع و کیفیتی خواهد
داشت ؟ پاسخ روشن است : نسلی بدون
ارتباط با مسائل واقعی و بریده و محروم از
دیگران (بعلت تماشای بودن مستمر)
محبوس در دایره جاذب و خطرناک امیال
هوسهای مربوط به جامعه مصرف و آتیسن
" رفاه " و " رشد " نسلی که بسیا ست
بچشم نمایش مینگرد — نسلی که دلهرهها
مسائل خود را در چهار چوب پیش ساخته
تفریحات و سرگرمیهای آنچنانی متفرق
میسازد و بفراموشی میسپارد — نسلی که
جمعآوری کننده کلیشهها و قضاوتهای ذهنی
قبلی است و تاریخ را رشتهای از رویدادها و
حوادث متفرق میدانند نه بنیاد و ساختمانی
از انسانها — نسلی که مفاهیم را میشناسد
ولی فاقد ایمان و عقیده (اعم از مذهبی یا
غیر آن) است خلاصه نسلی که لازم خواهد
بود دوران کودکی را از سرگیرد تا بمرحله
بلوغ و بزرگسالی برسد .

مستخرج از نشریه فدراسیون بینالمللی
آموزش اولیاء



گفتاری درباره ریشه شناسی جرائم اطفال

دکتر سید حسن غفوری غروی

صدق میکند بلکه درباره اطفالی که برای اولین بار نیز دست بارتکاب جرم میزنند نقش موثری دارد ، وجود این علل و عوامل چه بصورت علل فردی و اجتماعی و چه بر اثر تضادهای اجتماعی و عقیدتی تردید ناپذیر است . بنابراین بحث درباره ریشه شناسی جرائم اطفال و نوجوانان نزد متخصصین و جرم شناسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و عجیب نیست که در بسیاری از کنفرانسهای

درباره بزهکاری اطفال و نوجوانان ، هیچ مسئله‌ای باندازه ریشه شناسی جرائم آنان واجد اهمیت نیست ، زیرا اکثریت قریب باتفاق بزههای نوجوانان مسوق بسابقه وعللی است که در مرحله انفجاری و حاد آن بصورت اعمال خلاف نظم و شکستن حریم امن و سلامت جامعه منعکس میشود . وجود این علل و عوامل نه تنها بعنوان انگیزه و محرک اصلی درباره اطفال سابقه‌دار و نوجوانانی که مرتکب تکرار جرم شده‌اند

بین‌المللی چه در محدوده سازمان ملل متحد و یونسکو چه در نهشتهای مجامع دیگر بین‌المللی مانند اتحادیه بین‌المللی قضاات اطفال و یا موسساتی نظیر انجمن بین‌المللی حمایت اطفال و کنگره‌های جهانی جرم شناسی اغلب یکی از موضوعات اصلی و مورد بحث آنان مسائل مربوط باطفال و چگونگی پیشگیری از ناسازگاری و ارتکاب جرم آنان بوده است . بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم مسئله پیشگیری و جستجوی راههای درمان محور اصلی مطالعات و بررسیهای محققین بشمار میرفته است .

از نظر سابقه تاریخی مسئله شناخت علل بزهکاری با آنکه در قرن نوزدهم و بخصوص بوسیله پیروان مکتب تحصیلی یا تحقیقی () مطرح و ابراز شده و در سالهای بعد بسا پیدایش مکاتب تازه‌ای مانند دفاع اجتماعی و دفاع اجتماعی جدید ()

و بکمک علوم جنائی موضوع ریشه شناسی جرائم و پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین صورت تازه‌ای بخود گرفت ، ولی در گذشته نیز این موضوع نزد دانشمندان و محققین سلف ناشناخته نبود ، چنانکه افلاطون و ارسطو این دو فیلسوف و متفکر بزرگ یونانی به علت وجودی پدیده جرم و جنایت توجه داشته و هر یک بگونه‌ای آنرا

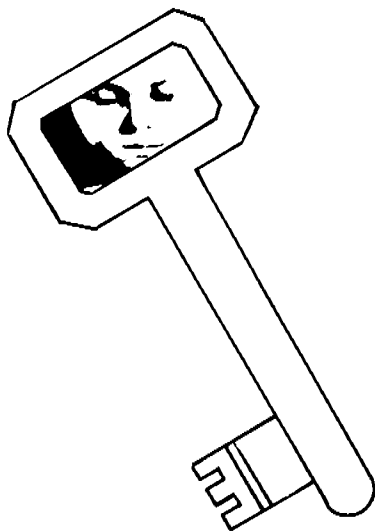
بررسی و ناشی از فقر و نا بسامانی در جوامع و ملل مختلف میدانسته و حتی به تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در پیدایش و وقوع آن توجه داشته اند نزد محققین اسلامی نیز ، به عقاید کسانی چون فارابی ابن‌مسکویه رازی ، خواجه نصیرالدین طوسی ، ابن‌خلدون و بسیاری دیگر از معلمین اخلاق ، صاحب نظران اجتماعی و اسلامی ، و عرفا برخورد میکنیم که تحت عنوان مهلکات و یا تحت عنوان و توصیف مدینه ضاله و مدینه جاهله و مدینه فاسقه و ضمن توصیف اجتماعات از علل و عواملی که موجبات سقوط انسانها و حتی تمدنها را فراهم میسازد گفتگو کرده‌اند ، و در ابواب حکمت عملی در قسمت علم اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدرن مباحثی را به تفضیل به ارشاد ، هدایت و راهنمایی افراد و خانواده‌ها اختصاص داده و چگونگی رسیدن بمقام انسانیت و طی مراحل کمال نفس را مورد توجه قرار داده و در این مباحث نه تنها با تعالیم خود اقدام به بازداشتن و ارشاد آنان به کف نفس از آنچه را که " ترک اولی " نامیده میشود نیـــــــز پرداخته‌اند ، در این مکاتب و بر اثر تعالیم آنان نه تنها انسانها از سقوط در ورطه جرم و کشیده شدن به فساد بازداشتند شده‌اند بلکه به سیرمدارج کمال معنوی تا نیل به مرحله انسان کامل هدایت و ارشاد شده‌اند که سیراین مرحله را جز در مدارج عالی

شناسی جنائی (

نامیده میشود بدانیم وجستجو کنیم .
فارابی در این کتاب عوارضی را که موجب سقوط جامعه و افراد میشود مطرح میکند و با توجه باینکه تعاون را اصل جامعه انسانی میداند بخطراتی که اعمال ناشایست انسانها برای افراد و جامعه و تزلزل روح تعاون دارد اشاره کرده هشدار میدهد که چگونه ممکن است یک مدینه فاضله و اجتماعات انسانی که میتوانند بحد کمال برسند بر اثر سقوط اخلاقی بطرف انحطاط ، فساد و تباهی کشانیده میشوند .

بهرحال ، غرض اثبات این معنا است که در گذشته نیز مانند امروز عده‌ای از محققین معتقد بودند که جرم و تبهکاری در جامعه بی علت بوجود نمی‌آید و پدیده جرم نیز تابع قانون علت و معلول در اجتماعات انسانی است . یعنی اگر خانواده که یک سلول اجتماعی است وضع نامساعد و نابسامانی داشته باشد و در نتیجه موجبات بزهکاری فرزندان را تسهیل و یا فراهم سازد متقابلا اثرات و عواقب اعمال خطا و جرائم ارتكابی ویا ناسازگاری آنان متوجه اجتماع و بالاخره خود خانواده خواهد شد و رابطه علت و معلولی در تمام امور اجتماعی دیده میشود و ادامه خواهد داشت .

درباره علت وقوع جرم و تاثیر انگیزه‌ها و عوامل مختلف در بزهکاری بویژه درباره اطفال و نوجوانان از طرف محققین نظرات



عرفانی و اخلاقی مکتب اسلام در هیچ کجای دیگر با این دقت نمیتوان یافت . مکاتیبی که متاسفانه ابواب آن مسدود شده است و حتی امروز هم با همه تلاشها اثری از آنرا نمیتوان دید ، و معلمین آن اغلب یا روی در نقاب خاک کشیده اند و یا بندرت در گوشه‌های آنرا باید جستجو کرد .

فارابی در آثار خود بویژه تحت عنوان مدینه ضاله بچگونگی عواملی که موجبات سقوط و انحطاط و انحراف افراد و جوامع را فراهم میسازد بتفصیل در مقابل " مدینه فاضله " اشاره میکند و اگر واقعا رویه این معلم بی نظیر را در این جهت بخواهیم به عنوان یک سابقه تاریخی و علمی مورد تحلیل قرار دهیم باید آنرا پایه برای دانشی که امروز از آن بنام " آسیب شناسی اجتماعی " و یا در مفهوم وسیعتر " جامعه

که قانون شکنی وی اعتنائی با اصول اخلاقی بر آن حاکم باشد این فرد بهمین نحو تربیت میشود ، برای او شکستن ارزشهای قابل احترام جامعه و بالنتیجه نظم اجتماع امری عادی تلقی میشود و همواره آمادگی و زمینه برای ارتکاب حرم و خطا خواهد داشت باینجهت به نقش تربیت طفل در خانواده و اجتماع فوق العاده اهمیت میدهد و محیط های مختلف را مانند شهر ، روستا محله ، اثرات فرهنگ اجتماعی ، برخورد با اطرافیان و گروهها و نظایر آنها را بسیار موثر میدانند ، بعلاوه امروز مسئله برخورد عقاید و آراء در نظام های مختلف اجتماعی را نیز بنوبه خود باید بعنوان یک موضوع قابل ملاحظه در کنارتضاد فرهنگی از این لحاظ مورد توجه قرار داد .

بزهکاری روحی و روانی

درمقابل بعضی دیگر از صاحب نظران هستند مانند روانپزشکان و دستهای از جرم شناسان و حتی پزشکان که عوامل فردی و سوابق ارثی را در بزهکاری واجد اهمیت میدانند ، مانند دویره و تئوری وی از نظر انحراف غرائز ویا فروید از نظر تحلیل روانی غریزه جنسی و

اولف کاین برگ ()
بزهکاری را نتیجه طبیعی بعضی از اختصاصات بیولوژیک در فرد میدانند (۱)
و معتقد است که فرد برانر آن در مقابل

گوناگونی ابراز شده و مکاتب مختلف هریک بگونه ای از آن گفتگو کرده اند که البته ما در اینجا بیشتر بعقاید آندسته از متخصصین که امروز نظرات آنان بیشتر مورد توجه است اشاره خواهیم کرد . عده ای از صاحب نظران مانند دورکیم ، ساترلند و دیگران پیروان مکتب اجتماعی مهمترین عامل موثر در سقوط و بزهکاری اطفال و نوجوانان را محیط تربیتی و اجتماعی آنان میدانند و غرض از محیط در اینجا بمفهوم وسیع کلمه آن میباشد که ابتدا شامل محیط خانواده و اطرافیان که اولین محیط تربیتی طفل است یعنی محیطی که طفل در آن متولد شده رشد میکند و استعدادها و شخصیت او در آن پرورش پیدا میکند و میشکند ، و سپس محیط های دیگری که طفل با آنها در تماس بوده و برخورد پیدا میکند مانند محله ، اطرافیان ، محل سکونی ، شهر و یا در مرحله بعد ، مدرسه ، محیط تحصیل . محیط کار ، محیط کارآموزی و ساترلند معتقد است که اصولا تمایل و زمینه ارتکاب جرم ارثی نیست ، بلکه اکتسابی است یعنی محیطی که طفل در آن پرورش مییابد در خلق و خوی و رفتار اجتماعی وی موثر است ، بنابراین اگر طفل در خانواده ای تربیت شود که مبانی اخلاقی در آن سست و فاقد ارزش باشد و احترام بقانون و اصول معنوی و اخلاقی بطفل آموخته نشود و محیط او بگونه ای باشد

محیط عکس‌العمل‌هایی متفاوت با عکس-
العمل‌های عادی نشان می‌دهد و اعمال وی
بصورت ناسازگاری در خارج منعکس می‌شود
عده‌ای نیز برای توارث و نقش مهم آن
اهمیت ویژه‌ای قائل شده و انتقال بسیاری از
صفات و اختصاصات و روشها را ارثی
دانسته و آنرا موثر در رفتار اجتماعی و
نقائص خلقی فرد میدانند ، که البته این
نقائص را فقط میتوان بعنوان یک زمینه برای
بزهکاری قبول کرد نه بعنوان یک عامل موثر
اگر چه بعضی دیگر بحث کروموزوم اضافی را
که امروز از نظر علمی نیز تاثیر آن در
بزهکاری به ثبوت رسیده است در اینجا
مطرح کرده‌اند . زیرا همانطور که میدانیم
در کروموزومها ژنهای سازنده صفات افراد
قرار گرفته‌اند حال اگر در ترکیب کروموزومها
یک یا چند کروموزوم زیاد یا کم شود ترکیب
نا متعادل این کروموزومها ممکن است در
فرد عدم تعادل‌هایی را بوجود آورد ، و
تجربه نشان داده است که در بین جنایت-
کاران افرادی که دارای کروموزومهای اضافی
یا هستند رقم نسبتا قابل توجه بین
۲٪ تا ۴٪ را نشان میدهد ، و این را دلیل
بر اثر غیر قابل تردید نقش وراثت در
بزهکاری دانسته‌اند .

مجرم خفته در انسان

ولی نظریه‌ای که بیشتر میتواند مورد
قبول واقع شود اینستکه در هر فردی ممکن

است کم و بیش زمینه تمایل به خطا وجود
داشته باشد (۱) و بگفته ژان پینتاتل
() جرم شناس
معروف فرانسوی در هر انسانی یک مجرم
خفته وجود دارد و شرایط محیطی و اجتماعی
است که ممکن است این زمینه و استعداد را
تقویت و تشدید کند یا برعکس آنرا تضعیف
نماید و از بین ببرد . این زمینه ممکن
است در بعضی قوی تر و برای ارتکاب جرم
آمادگی بیشتری داشته باشد و در بعضی
ضعیف‌تر باشد ، کسانی که دارای زمینه
بیشتری هستند اگر در محیطی قرار گیرند که
آنها را از خطا بازدارد و عامل کنترل
کننده وجود داشته باشد چه بسا که هرگز
مرتکب خطا و یا تکرار جرم نشوند و البته در
مورد افرادی که در آنها زمینه بزهکاری
ضعیف و قدرت کنترل کننده قوی باشد اگر
هم در محیط جرم‌زا و آلوده قرار گیرند
قطعا دارای قدرت مقاومت و نیروی باز-
دارنده بیشتری بوده و در مقابل فشار
محیط مقاومت خواهند کرد ، و لسانی
مع الوصف بمیزان کمی احتمال خطا
و انحراف با توجه به شرایط محیط وجود
دارد و مسلم اینستکه اگر این افراد در
محیط سالمی قرار گیرند هرگز امکان ارتکاب
جرم و خطا از جانب آنان نخواهد بود .

در اینجا میتوان نتیجه گرفت که بهرحال
عوامل فردی و اجتماعی و شخصیت فرد در
وقوع بزهکاری و رفتار اجتماعی عمیقا موثر

بسیاری موارد محیط خانواده است که در پرورش شخصیت و دید اجتماعی طفل تاثیر بیشتری داشته و در درجه اول از اهمیت قرار دارد . و آمار تقریبا در اکثر کشورها این موضوع را تأیید میکند .

پاورقی ۱-

۱- برای بررسی بیشتر در این زمینه به کتاب " انگیزه شناسی حنائی " چاپ دانشگاه ملی ، تالیف نگارنده صفحات ۳۱- مراجعه شود ، در این کتاب پژوهش همه جانبه‌ای درباره بزهکاری اطفال ونوجوانان بویژه در ایران بعمل آمده است ضمن ارائه آمارهایی در این زمینه از عواملی که موجبات سقوط اطفال را فراهم میسازد به تفصیل بحث و گفتگو شده است .

پاورقی ۲-

۱- چنانکه خداوند در مورد امکان ارتکاب خطا برای انسان در قرآن کریم میفرماید :
ان النفس لاماره بسوء الا ما رحم ربی ، سوره یوسف ، آیه ۵۳ ، نفس اماره انسان را بسوی خطاها و اعمال خلاف وزشتیها میکشاند مگر آنکه رحمت خداوندی شامل انسان شود و موجبات بازداشتن او را از لغزشها و خطاها فراهم کند ، زیرا نفس انسان آمادگی برای خطا دارد و به اصطلاح حکمای اسلامی در انسان یک جنبه بهیمیت بقیه در صفحه ۵۶



است و اغلب تنها یک عامل نیست که منتهی به بزهکاری میشود ، بلکه ترکیب یک سلسله علل و عوامل مختلفی است که زمینه ناسازگاری و یا در مرحله حاد آن بزهکاری را فراهم میکند و البته این بحث که کدامیک از این عوامل بیشتر موثر خواهد بود و تحت چه شرایطی ممکن است منتهی به بزهکاری شود خود موضوع اصلی ریشه - شناسی جرائم را تشکیل میدهد ، در مورد اطفال ونوجوانان آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد نقش خانواده و محیط تربیتی طفل و بعد محله ، مسکن ، شهر ، اطرافیان و سایر محیطهایی است که طفل با آنها در تماس است ، البته در اینجا باید اضافه شود که ذکر اهمیت خانواده بآن مفهوم نیست که سایر عوامل مانند عوامل فردی فاقد اهمیت باشند بلکه مقصود اینستکه در

مسئول کیست؟ ..

نامه ای از مادر بزرگ

وجودشان عاطل و باطل بشود و وقتشان هدر رود همانطور که در سال تحصیلی هم با دقت و توجه و پشتکار بدرس و تحقیق پرداختند اما متأسفانه گروهی نه سال تحصیلی را آنطور که باید بدرس و تحصیل پرداختند نه تابستان جبران مافات کردند هرچه پدر و مادر گفتند و فریاد کشیدند ، هرچه ما گفتیم و نوشتیم و توصیه کردیم بگوش نگرفتند و به ایستادن سرگذر ، تنگ بدست گرفتن ، کبوتر شکار کردن ، به رهگذران متلک گفتن ، وسط کوجه توریستن و بازی کردن وسد معبر نمودن وقت خود را گذراندند و شانس دوم راهم که امتحان در شهریور ماه بود از دست دادند

ای مادران فداکار و ای پدران مهربان که شبها با فرزندانتان بمجادله میپردازید آنها را سرزنش میکنید آنروزهاییکه بجای درس خواندن و مطالعه کردن روی پله خانه

تابستان سپری شد ، فصل گرما گذشت و هوا رو بسردی میروود تابستان برای شاگردان زرتنگ و درس خوان لذت بخش اما برای آندسته از دانش آموزان که سال تحصیلی گذشته را ببطالت گذرانده و درس هر روز را برای فردا و فرداها و تکلیف هر شب را برای شبهای بعد گذاردند و نتوانستند در امتحانات خردادماه یک ضرب قبول شوند تلخ و کسل کننده و نا - مطبوع بود چون فکر امتحانات شهریور آنها را ناراحت نگاه میداشت .

آندسته از نوجوانان و جوانان که سال تحصیلی خوب درس خوانده بودند تابستان را هم خوب گذراندند ، یا مطالعه کردند ، یا به کمک پدر و مادر درخانه و در محل کار پرداختند یا رفتند و بخدمت کردن در گروههای جهاد سازندگی وقت خود را گذراندند بهرحال نگذاشتند که

دقت نکرده‌اید .

اکنون کاری شده ، بقول معروف آب رفته بجوی باز نگردد . . . انقدر هر روز و هر شب عصبانی نشوید . . . فریاد نکشید . . . بد و بیراه نگوئید . . . سرکوفت و سرزنش نزنید . . . خشم شما اکنون دیگر بیهوده است چون گذشته را که کاری نمیتوانید بکنید پس بفرآینده باشید ، باخسود بیاندیشید که سالی را که در پیش دارید با او چگونه رفتار کنید . . باو چگونه کمک کنید . . فریاد کشیدن ، مشاجره کردن نه برای آینده او مفید است نه مشکلی را حل میکند شما باید ازهم اکنون در جستجوی راه حلی باشید که برای او آینده ساز و موفقیت آمیز باشد . . . باید روشی پیش گیرید که زودتر ، سهلتر و سریع تر شما را به هدف برساند ، برای نیل باین هدف چه باید کرد . . . ؟

باید روحیه نوجوان یا جوان را بخوبی شناخت ، باید پرونده تحصیلی آنها را مطالعه کرد ، با مطالعه پرونده و شناسائی که از فرزند خود دارید بخوبی میتوانید نقاط ضعف او را تشخیص دهید ، با مطالعه پرونده تحصیلی او نقاط تاریک و ضعیفی که در پرونده او مییابید شما را راهنمایی میکند باینکه مبداء و منشاء ضعف را پیدا کنید وقتی منشاء آن پیدا شد شما لااقل تا حدودی از ضعف او دردرس املاء ، انشاء ، زبان ، ریاضیات و امثال آن آگاهی پیدا

این و روی سکوی خانه آن دیگری بعد از ظهر و شب خود را سپری میکردند شما کجا بودید . . . چرا مهر سکوت برلب زده بودید . . . ؟

اکنون دیگر غرغر زدن چه سود . . .

آنهائیکه بخاطر غفلتی که در سال تحصیلی گذشته داشته‌اند رد شده‌اند و در همان کلاس مانده‌اند نه میتوان معلومات را در آمبول کرد و بآنها تزریق نمود نه میشود که آنها را کشت باید آنها را امیدوار کرد ، باید روحیه آنها را تقویت کرد ، باید بآنها کمک کرد که در سال جاری حیران سال ماضی را بکنند . نباید دنیا را بآنها تنگ و زندگی را بخودتان تلخ کنید صحیح است که آنها خطاکار هستند و خطای آنها در نزد شما نا بخشودنی است اما شما هم مبرا نیستید شما آقای محترم که نام پدر بر خود گذاشته‌ای و شما بانوی گرامی که نام مادر بر خود گذاشته‌ای هیچکدام از شما وظیفه پدری و مادری خود را که برعهده دارید بخوبی انجام نداده‌اید . . . پس شما هم مقصر هستید . آخر شرع و عرف سرپرستی و مراقبت از طفل را بعهدده پدر و مادر گذاشته اند ، زندگی در خوراک و پوشاک خلاصه نمیشود که شما تصور میکنید چون وسائل رفاه آنها را فراهم کرده‌اید پس وظیفه خود را انجام داده‌اید . . . خیر غفلت شما دراین بوده که در کار درس و تحصیل و رفت و آمد فرزند یا فرزندان

میکنید بدیهی است که این آگاهی یافتن لازم است اما کافی نیست زیرا شما جزئیات و علل آنرا محققا نمیدانید پس برای اینکه کاملا روشن شوید و برای خود شما نقطه تاریک و ابهامی نباشد باید با شخص مورد نظر خواه نوجوان و کم سال و خواه جوان به صحبت و گفتگو بنشینید با او صمیمانه سخن گوئید با دقت بگفته‌هایش گوش دهید اشکالاتش را بفهمید وقتی اشکالات را فهمیدید از چند طریق میتوانید وارد عمل شوید .

میتوانید برای او معلم خصوصی بگیرید که در چند جلسه او را آماده کند ، میتوانید با معلمش تماس بگیرید و با تبادل نظر و بحث بایکدیگر برای حل مشکل همفکری کنید .

باید با او صحبت کنید اما بهنگام صحبت کردن از مرز اعتدال خارج نشوید عصبانی نشوید ، او را سرکوفت و سرزنش نکنید ، مشکلاتش را بپرسید اما با دلسوزی با صمیمیت که او دوست ، رفیق ، غمگساری در کنارش ببیند نه دشمنی مقابل و رو در رویش . موقعی که می‌نشینید و با او گفتگو میکنید گوشتان ، چشمتان ، زبانتان و تمام وجودتان با او باشد تا او را بخوبی درک کنید و او تصور نکند که شما دادگاهی تشکیل داده‌اید و به بازپرسی از او پرداخته‌اید تا او را محکوم کنید و مجازات سرزنش و تحقیر را درباره او اعمال کنید نه

نه ... نه عزیزم .. دراین صحبت ها و رودر رو قرارگرفتن ها طوری رفتار کنید که او حس کند که شما واقعا به برطرف کردن اشکال او علاقه دارید ... او این علاقه و دلسوزی را لمس کند .. او از غفلت خود گذشت شما شرمنده شود نه از خشونت شما عصیان زده تر و طاغی تر ... اگر شما توانستید اعتماد او را بخود جلب کنید و او احساس کرد که شما برای اقتناع حس خود خواهی خودتان نیست که اینگونه در التهاب هستید بلکه برای آینده سازی او است و بخاطر شخص خود او میباشد آنوقت حاضر خواهد شد بدون پرده مشکلات خود را بگوید برای شما تشریح و توجیه کند و شما بگوید چرا از فلان درس بدش می‌آید و نمره‌ای که باید از آن بگیرد نگرفته و از فلان درس خوشش می‌آید .

دراین زمینه شاهد مثال زنده‌ای داریم که با او مواجه شدیم و خوشبختانه بدادش رسیدیم و سرچشمه را باییل گرفتیم ما چرا از این قرار است :

" دوشیزه ن که هشت سال دارد و از اول سال تحصیلی صبح زود از خواب برمیخاست زودتر از همه کیف و کتاب بسر میداشت که بمدرسه برود .. از بس برای رفتن بمدرسه شتاب داشت درحیاط منزل دائم فریاد میکشید و دختر عمویش را صدا میکرد که زودباش مدرسه دیر میشود .. بطوریکه بعضی روزها خشم پدر را بسر -

میانگيخت که چه خبر است تازه ساعت ۶/۵ صبح است .. مدرسه هم که دم کوشت مياشده .. چرا انقدر عجله ميکني ، بگذار او هم صبحانه اش را بخورد

دوسه ماهي از سال گذشته بود دختر بعضي روزها صبح زود بلند ميشد و بعضي روزها دير بلند ميشد ، سرخود را گرم ميکرد ، دير دست و رو ميشست ، در خوردن صبحانه بازگوشي ميکرد ، در پوشيدن لباس مدرسه معطل ميکرد .. بطوريکه مادرش بايد فرياد بزند .. زود باش .. دير شد ... اون بچه در حياض منظر نوست اما دخترک باخشونت ميگفت ، خوب .. ولي بيشتري معطل ميکرد پسراينکه دوسه هفتهاي باين متوال گذشت مادر خوب دقت کرد ديد دخترک



روزهاي بخصوص در هفته را بدغلقی ميکند دير بلند ميشود .. معطل ميکند ... مادر کنجاو شد .. در کنجاوي ديد دخترک روزهاي يکشنبه و سهشنبه اينچنين است و روزهاي ديگر سر براه است و زود بلند ميشود و سرعت لباس ميپوشد صبحانه



شدند که خانم معلم یک روز پائین آن نوشته است "خوش خط تر بنویس" روز بعد نوشته است "بد خط است سعی کن خوش خط بنویسی" بالاخره یک روز نوشته است "تنبل" و به بچه‌ها گفته است باو بگوئید "تنبل"

از آن پس روز بروز دیکته دخترک بدتر شده تا جائیکه گهگاه تعداد غلط‌های او بطور فاحش بالا می‌رود

خانم معلم از کنجاوی مادر خوشش آمد زیرا کنجاوی مادر موجب شد که علت عقب‌گرد کودک معلوم شود

معلم فهمیده دلسوز از همان روز رفتارش را با دخترک تغییر داد، کارهای خوب او را ستایش میکرد و آفرین میگفت. برای غلط‌های دیکته‌اش به وادار کردن او بنوشتن ده بار از روی هر غلط اکتفا میکرد و بهیچوجه او را دیگر تنبیه زبانی نکرد. کودک رفته رفته بحال اول بازگشت. کودکی که روزهاییکه دیکته داشت صبح با بی میلی از خواب بلند میشد . . . برای رفتن بمدرسه خودرا سرگرم میکرد که دیر بمدرسه برسد، شبها از نوشتن دیکته سر باز میزد، با میل و علاقه شبها بنوشتن تکالیفش میپرداخت . . مادررا وادار میکرد که قبل از همه کار دیکته او را بگوید. صبحها همه روزه با علاقه بمدرسه میرفت و دفترچه دیکته خود را می‌آورد بمادر نشان میداد که به بین "آفرین" گرفت

خورده و نخورده بسوی مدرسه راه میافتد. مادر بدنبال کنجاوی متوجه شد آن شبی که دخترک ضمن تکالیف مدرسه‌اش باید دیکته‌ای هم بنویسد صبح روز بعدش چنین ماجرائی است . . با کنجاوی سرخ بدستش آمد . . روزی رفت مدرسه سراغ خانم معلم . . در دفتر مدرسه نشست تا زنگ تفریح خانم معلم بدفتر آمد . . پس از مراسم معارفه و خوش ویش کردن مادر از وضع درس و مشق و رفتار دخترش سؤال کرد . . خانم معلم در پاسخ گفت :

— دختر بسیار منظمی است . . یعنی خیلی منظم‌تر بود . . اول سال خیلی مرتب و منظم بود . . اما . . اما حالا یک کمی تغییر کرده . . بانشاطی که روزهای اول داشت سرکلاس نمیداد . . فارسی او خیلی خوب است . . خواندنش . . یاد گرفتنش خیلی خوبست . . درسی را که میدهم بلافاصله او بدون غلط میخواند اما من تعجب میکنم با اینکه خواندنش باین خوبی است دیکته‌اش بداست . . کلمات را ناتمام مینویسد . . نقطه‌ها را فراموش میکند بگذارد . . فرستاد مستخدم مدرسه رفت کتابچه دیکته او را گرفت آورد و . . کتابچه را باز کردند صفحات اول آن خیلی خوب بود بتدریج که جلو میرفت بر تعداد غلط‌های دیکته افزوده میشد . . وقتی باظهار نظرهای معلم در پائین صفحات دیکته مراجعه کردند متوجه

میماند در نتیجه آخر سال دخترک یک سفر کرد قشنگ از دیکته میگرفت ... یکسال دیگر هم در این کلاس میماند ... معلم باو بدین ... او نسبت بمعلم خشمگین و کینه‌توز ، معلوم نبود سال تحصیلی جاری چه در پیش داشته باشد ، در صورتیکه باکمی دقت و کنجاو شدن مادر سرخی را گیرآورد و آنرا دنبال کرد ، به نتیجه مطلوب هم رسید

بااینکه از کلمه باید ، خیلی خوتم نمیآید و نمیخواهم با کلمه باید مطلبی را برکسی تحمیل کنم اما با کمال معذرت اینجا میگویم ، مادر باید ، پدر باید ، نسبت پدرس ، مشق ، کتاب ، نوشته ، رفت و آمد فرزندش کنجاو و هوشیار باشد هیچکس مجرم بالفطره نیست محیط تربیت مربی و همبازی و دوست و همکار در ساحتین فرد بسیار بسیار موثر هستند آنها هستند بقیه در صفحه شد

به بین " صدآفرین " گرفتم ... بکلی روحیه بچه عوض شد .. کودکی که تا هفته پیش از معلم دلخور ، ناراضی و کم کم میرفت که از او متنفر شود کم کم محبت دیرینه را بمعلم پیدا کرد و میگفت : جون خانمم ماهه ... (منظورش از خانمم خانم معلمش بود) اونو از همه بیشتر دوست دارم

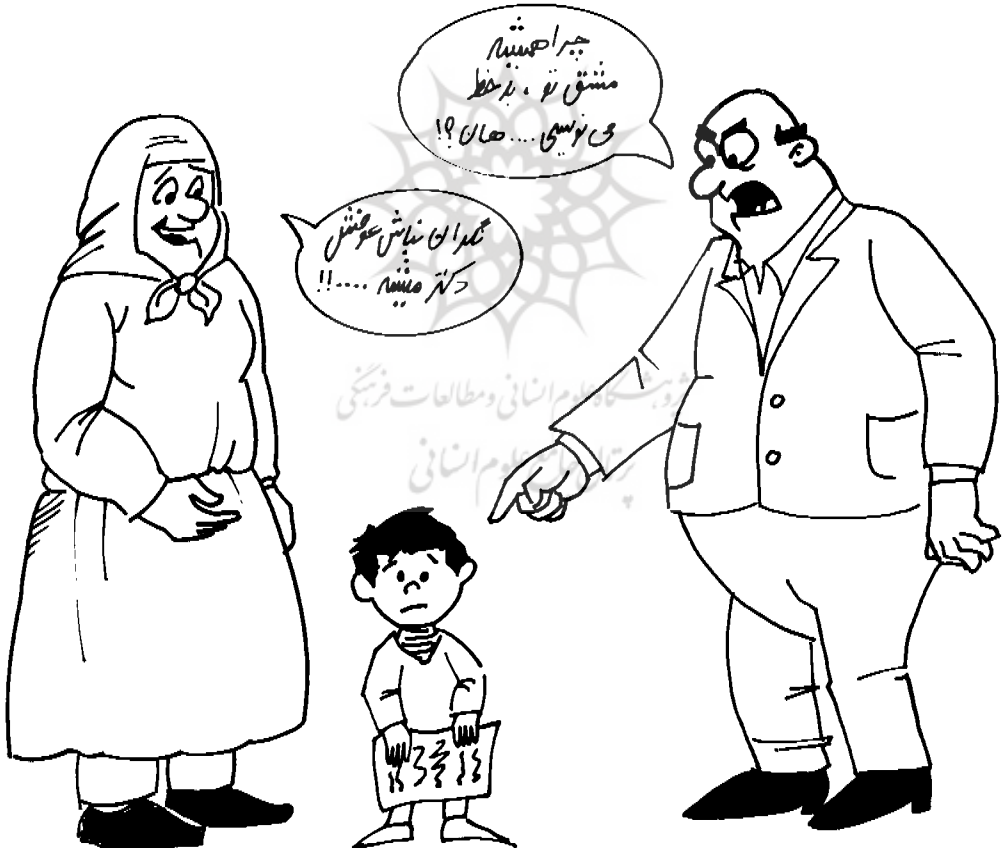
بلی دخترک آخر سال بامعدل خوب قبول شد وازدیکته که ضعیف ترین درس او بود نمره ۱۹ گرفت

موفقیت این کودک مرهون کنجاوای مادرش میباشد ، اگر مادر بی علاقگی کودک را بمدرسه سرسری میگرفت وبهمین اکتفا میکرد که هر روز صبح یک داد او بزند ، یک جیغ کودک ، کم کم کودک به شنیدن داد وکشیدن جیغ عادت میکرد علت بیعلاقگی برمادر مکتوم وپوشیده



بنام خدا

صفحه سفیدی که در مقابل شما قرار دارد ، برای شماست ، برای شما که مسائل و مشکلات تربیتی و آموزش فرزندان خود و نیز پیشنهادات و راه - حل‌هایی که به نظران میرسد برای ما بنویسید .
پیوند ما با این ارتباط محکمتر میشود و شما که اولیاء و مربیان فرزندان هستید یا تلاش و ارتباط بیشتر در پیدا کردن راه‌های مناسب میتوانید در یاری ما سهم بزرگی داشته باشید . انشاءالله که اینطور خواهد شد .



تاکسید



شپوه، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جای نمبر



انجمن اولیاء و مربیان ایران

نشانی: تهران، دروازه شمیران، خیابان فخرآباد کوی ۱۵ صندوق پستی: ۱۳/۱۲۵

کد پستی ۱۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ:

موضوع:

مسئول کیست ؟

بقیه از صفحه ۵۱

که می‌توانند انسانی را متقی و پرهیزکار بار بیاورند یا ظالم و ستم پیشه و جنایتکار .
چه بسا ممکن است با کوچکترین تغییری که در محیط خانه ، محیط مدرسه ، بسا گزینش دوستان داده شود روحیه افراد بکلی تغییر کند . . . بخصوص هم‌نشین از هم‌نشین بد غافل نشوید که اگر هم‌نشین فرزندان تنبل ، نافرمان ، خودسر ، درس‌نخوان باشد در روحیه فرزندان اثری فراوان دارد بیخود نیست که در ضرب‌المثل‌ها آمده هم‌نشینیم به بود تا من از او بهتر شوم . . و نیز شاعر گفته :

تواول بگو باکیان دوستی

من آنکه بگویم که تو کیستی

همان قیمت آشنایان تو

عیانی است برادر زنی جان تو
مادر دانا باید روحیه فرزندش را بشناسد ، بخصوصیات روحی او بی همانطور که میدانند او چه غذائی را دوست دارد و از چه غذائی بدش می‌آید باید بداند کدام درسش را بیشتر دوست دارد چرا . . . ؟ از کدام درس ضعیف است چرا . . . ؟ در کلاس مدرسه دوست دارد کجا بنشیند چرا . . . ؟ در خانه در چه شرایطی دوست دارد تکالیفش را انجام دهد . . . ؟ آنچه را که در خانه برایش مقدور و میسر است برای او فراهم کند . . .

مثلا اگر دوست دارد در موقع انجام تکالیفش در اطاق تنها باشد ، او را تنها بگذارد . . اگر می‌خواهد کتابش را بدست گیرد راه برود و بخواند او را آزاد بگذارد باو نکوید تو حتما باید بنشین و درس بخوانی . . اگر می‌خواهد درس خود را بلند بخواند تا یاد بگیرد نکوید بلند نخوانی سرم را بردی ، بگذارد که او راحت تکالیف مدرسهای را انجام دهد اما مراقب هم باشد که فرزندش کتاب درس را باز نکند بدستش بگیرد و وانمود کند که من مشغول درس خواندن هستم اما چشمش روی کتاب حواسش جای دیگری است و ساعتها روی همان صفحه را نگاه میکند و برای گول زدن مادرش کتاب بدست گرفته است .

یک مادر فهمیده که می‌خواهد مراقب فرزندش باشد باید از هر جهت او را زیر نظر بگیرد با معلم و مدرسه او در تماس باشد . . باید با معلم درباره پیشرفت فرزندش مشاوره و همفکری کند . . اما بهتر است برای اینکار وقت و بی وقت و سرزده مزاحم کار او نشود زیرا اگر مزاحم کار او شود هم او خشمگین و بی اعتنا باین مادر میشود هم فکر میکند چون وقت و بی وقت سراغ او آمده می‌خواهد او را غافلگیر کند بهتر است برای مشاوره و گفتگو با معلم یا مدیر مدرسه وسیله تلفن یا وسیله نامه قرار ملاقات بگذارید و تعیین وقت کنید تا بقیه در صفحه ۵۸

است و این امکان پذیر نیست مگر در محیطی
پر تفاهم و جوی مناسب و اسلامی بین اولیاء
و مدرسه .

اینکاز شما پدران و مادرانیکه به سرنوشت
فرزندان این مملکت اسلامی علاقه مند هستند
دعوت میکنیم . ب مدرسه ها بروید و در اجرای
اهداف اسلامی انسانی مربیان آنها را یاری
فرمائید . در سرنوشت فرزندان خود سهیم و
آینده آنها را با کمک مربیان دلسوز طوری
بسازید که در خدمت اسلام عزیز و مردم مسلمان
مباشند از خداوند بزرگ مسئلت داریم که در
راه انجام امور خیر و پیشرفت و تعالی اسلام
ما را موفق و منصور بدارد .
خدا یار و نگهدار شما باشد .

گردی و بازی با دوستانی ناشناخته برای پدر
و مادر اول سال و ثبت نام و
تکرار کارهای سال گذشته در دایره های بسته ! ؟

حال پدر و مادر محترم ! مری عزیز
مدرسه ! اجتماع ! اینها کافیست ؟ این تلاش
و کوشش شماها نتیجه دلخواه را میداد ؟ کدامیک
از اعضاء این دایره بسته راضی بودند ؟ محصولات
این دستگاه عظیم تعلیم و تربیت ما دیپلم
های بیکار ، دانشجویهای بی خاصیت ، فارغ-
التحصیل هائی که فقط خواندن و نوشتن آنها
بدرد جامعه میخورد و از رشته های علمی و فنی
فقط جمع و تفریق ،

این نظام باید بهم ریخته شود ، این
ره که ما می رفتیم به امپریالیسم بین المللی
ختم میشود و آدم های ماشینی شده در خدمت
اربابان بین المللی و دست به سینه بحال
تکدی برای غذا ، پوشاک ، دارو ، علم ، صنعت
کارشناس ، خلاصه همه و چیزهای مورد لزوم
یک زندگی ماشینی و غرب زده . . .

بیاری خدا و براهنمائی امام امت ما با
تلاش پیگیر پیوندگان نظام آموزشی توحیدی
اسلامی میخواهیم نظامی را پیاده کنیم که از
آنچه در بالا رفت خبری نباشد سهم کوچک-
انجمن اولیاء و مربیان ایران در ساخت و
پرداخت نظام آموزشی اسلامی مردمی کردن
آموزش و پرورش و بخدمت گرفتن خود پدران و
مادران در ساختن و علم آموزش فرزندشان

گفتاری در باره

بقیه از صفحه ۴۵

و حیوانیت وجود دارد و در مقابل آن
جنبه ملکوتیت و کمال انسانیت قرار گرفته
بنابراین انسان از جنبه حیوانیت و سوسه-
های نفسانی با اعمال خطا تمایل پیدا میکند
و سوق داده میشود ، ولی در مقابل آن بر
اثر جنبه ملکوتی و اخلاقی و استعداد ترقی
ذاتی که در انسان وجود دارد این تمایلات
سرکش را مهار میکند و خود را از خطا باز
میدارد ، پس انسان واقعی و یا در اصطلاح
عرفانی " انسان کامل " کسی است که به
چنان مرحله ای از تسلط بر نفس رسیده باشد
که نه تنها تمام تمایلات و هوسهای سرکش

امنیت خاطر

بقیه از صفحه ۸

اسلام باین مقدار از پیشگیری اکتفاء نکرده بلکه کوشیده زن و مرد را با تجهیزات انسانی و ایمانی و اخلاقی مجهز کرده از بروز هر نوع اختلاف و شکافی پس از ازدواج در طول دوره زناشویی جلوگیری بعمل آورد روی این اصل بزن و مرد درس شکیبائی و فداکاری داده آنان را در برخورد با ناراحتیها و تندی ها و سایر دشواریها که از ناحیه یکدیگر متوجه دیگری میگردد بصبر و پایداری خوانده است و این بآن معنی نیست که زن و یا مرد را خواسته روش انظلام را در پیش گرفته ستمگری و تعدی فردی را تأیید کرده باشد بلکه هدف اساسی اسلام جلوگیری از شکاف و گسستگی ارکان خانوادگی بوده تا از این رهگذر لطمه و زبانی متوجه کودکان معصوم نگردد .

و چون روحیه فداکاری در هر دو عضو خانواده باید باشد بهر دو تأکید و سفارش کرده است قال رسول اله (ص) من صبر علی سوء خلق الرثنه اعطاه اله من الاجر ما اعطی ایوب علیه السلام علی بلائه و من صبرت علی سوء خلق زوجها اعطاه اله مثل ثواب آسیه بنت مزاحم اگر کسی با اخلاق بد همسر خویش صبر کند خداوند ثواب شکیبائی و بردباری ایوب پیامبر را باو میدهد و چنانچه زنی براخلاق شوهر خویش صبر کند خداوند درجه ای مانند آسیه

را تحت سلطه خود در آورده باشد که مرتکب هیچگونه خطائی نشود ، بلکه سجایای ملکوتی را در وجود خود جای نشین هوسهای حیوانی کرده باشد ، ولذا حکمای اسلامی از این مراحل و مدارج شهیرکمال از نفس تقسیماتی کرده و از آن به نفس اماره لوامه و در انتهائفس مطمئنه . . . کرده اند و در مرحله نفس مطمئنه است که انسان بمرحله اطمینان از لغزشها و آرامش و کمال حقیقی نفس میرسد و آنجا است که خداوند حکیم رحمن میفرماید :

یا ایتهالنفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیته مرضیه ، نزد این افراد دیگر خطا نیست تجاوز بحقوق دیگران نیست ، علاقه به مطامع و هوسهای سرکش عالم خاکی نیست ، بر اثر جاه طلبی های دنیوی حقایق معنوی را هرگز زیرپا نخواهند گذاشت ، و در لوای دین دنیا طلبی نخواهند کرد ، دربین این افراد است که بزرگان عالم تقوی ظهور کرده و معلمین واقعی اخلاق بر خاسته اند ، آنانکه انسانها را تا نیل به درجات عالی از فضائل تربیت و رهبری کرده اند و جامعه ما نیز نمونه های بسیاری از این مردان فضیلت و معلمین بزرگ را بیادگار دارد .

دنباله این مقاله تحقیقی را در شماره آینده ملاحظه خواهید فرمود .

یک مدیر مدرسه را بانجام چنین کارهایی
راغب میکند .

مسئول کیست ؟

بقیه از صفحه ۵۵

مذاکره و مشاوره شما با حسن نیت شروع شود
و شریبخش باشد ، ولی باید دقت کنید
که در این ملاقات ها شما فقط باید
اطلاعاتی درباره فرزندتان ، رفتار ، کردار
و درس او از معلمش بخواهید و حق ندارید
که معلم را مورد عتاب و خطاب قرار دهید
و از او بازخواست کنید چون شما مقام
بازخواست کننده نیستید اگر چنین باشد
معلم باید هر روز مورد بازخواست ده ها
مادر یا پدر قرارگیرد که این دون
شخصیت والای معلم است . اما شما
میتوانید در گفتگوی با معلم با اطلاعات کلی
اکتفا نکنید و از او نظر خواهی کنید که
علت ضعیف بودن فرزندم در درس املاء یا
ریاضی ، یا علوم فلان و یا فلان چیست
و نظر او را برای از بین بردن ضعف و نقص
بخواهید . اگر سرکلاس بدرس گوش
نمیدهد با آنچه را روی تخته سیاه
مینویسد توجه نمیکند شاید دلیلی داشته
باشد . . . اگر خوب گوش نمیکند شاید در
حس شنوایی او اختلالی پیش آمده که خوب
نمشنود . . حتما باید او را نزد پزشک
ببرید . . اگر بآنچه روی تخته سیاه نوشته
شده توجه ندارد شاید قوه بینایی او ضعیف

(همسر فرعون) باو خواهد داد .

در روایت دیگری اینچنین آمده است
عن ابی عبدالله علیه السلام جهاد المرأة ان
تصبر علی ماتری من اذی زوجها ذعیریه
یعنی شکیبائی زن در برابر اذیت و آزار
مرد همانا جهاد او محسوب میگردد .

طرح مردمی کردن

بقیه از صفحه ۲۱

۴- گزارش مستمر کارهای انجام شده و
فعالینهای موفق به مقامات مسئول و ارائه
پیشنهادات سازنده به برنامه ریزان و
کارشناسان تعلیم و تربیت .

۵- طرح مشکلات و پیدا کردن راه حل
منطقی برای آنها طبق شرایط محلی .
۶- تماس دائم با اولیاء شاگردان و جلب
کمک و همفکری آنها در حل مسائل جاری
مدرسه .

۷- مراقبت در اجرای برنامه های
آموزشی و کار معلمین .

۸- ایجاد شرایط لازم برای خودکفائی
مدرسه .

آموزش مستمر و تقدیر وزارتی ، بازدید
دائم مسئولان آموزش و پرورش از مدرسه ،
دادن آزادی و استقلال مالی و نامین
اعتبارات و نظارت مستمر مقامات مسئول
قدردانی هیئات امناء و اولیاء شاگردان
تقدیرهای کتبی و افزایش حقوق ارتقاء گروه
(خارج از ترتیب مقرر) عواملی هستند که